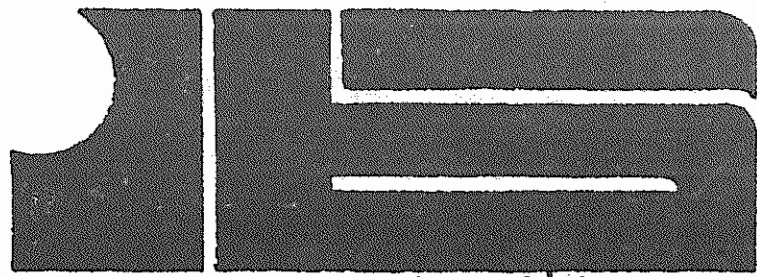


دشمن اصلی خلق ما
امریکا
مرکب بر امپریالیسم



کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

چهارشنبه ۷ خرداد ۱۳۵۹

۱۶ صفحه - قیمت ۴۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم شماره ۶

افول امپریالیسم هر روز شتاب بیشتری می گیرد و چشم انداز پیروزی زحمتکشان جهان نمایان تر می شود

- پیام دلاوران مردم کرد جنوبی حکومت سرسپرده این کشور را در آستانه سرنگونی قرار داده است.
- گسترش مبارزه سیاهان علیه نژادپرستی. امپریالیسم آمریکا را با دسوارهای بیشتری روبرو ساخته است.

در صفحه ۴

باندهای ضد انقلاب را متلاشی سازیم

باند بختیار - اویسی خرمن ها را آتش می زنند

باند جنایتکار و وابسته بختیار - اویسی با بهره برداری از زمینه ناراضگی ای که توده ها از گرانی، بیکاری و وضعیت نابسامان موجود دارند و با تکیه بر ناآگاهی بخشی از زحمتکشان قصد دارند در نقاط مختلف میهنان برنامه های امپریالیسم را پیش ببرند.

در صفحه ۶

اعتیاد زائیده نظام طبقاتی است

تاکنون بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیسم و سرمایه داری اینگونه تبلیغ کرده اند که اعتیاد یک میل باطنی و یک خواست و اقدام شخصی است نه اجتماعی! پرواضح است که شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه است که شخصیت افراد آن جامعه را شکل می دهد. اعتیاد مثل هر عادت مسموم دیگری اکتسابی است نه فطری و به این جهت هم هست که می تواند با نابود شدن علت بوجود آورنده اش یعنی نظام طبقاتی و مناسبات سرمایه داری از بین برود.

در صفحه ۱۱

در این شماره:



● پیام اتحادیه سراسری روستاییان ایران خطاب به همه زحمتکشان متعلق در مورد وظایف فعلی برداشت محصول

در صفحه ۷

● الجزایر

هجده سال

پس از پیروزی بر

امپریالیسم فرانسه

در صفحه ۱۲

● گرامی باه خاطره

مجاهدین شهید

در صفحه ۱۶

● بافتنای جنگ الروان از صلح عادلانه در کردستان دفاع کنیم

در صفحه ۱۲

● افزایش سطح حداقل دستمزدها یا

کاهش قدرت خرید ادواتی کارگران

در صفحه ۱۰

● مصر: نیروی تاپیروزی کامل

در صفحه ۸

دشمنان مردم
خرمن ها را
آتش می زنند!

در صفحه ۶

بکوشیم تا با استقرار صلح در کردستان وحدت مردم میهنان را
علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

نامه سه تن از دختران یک روستای آذربایجان شرقی به سازمان



با درود بی پایان به رفقای سازمان
بر افتخار چریکهای فدائی خلق ایران.

رفقا!

ما سه رفیق دختر از روستای بسیار دور
آذربایجان شرقی این نامه را برای شما
می فرستیم تا بدینوسیله صدای بیخوشی
شما تا دوازده ساله را که در کارخانه‌های
سرد و نمناک قالی می بافند و حقوق بسیار
ناچیز می‌گیرند به گوش همه رزمندگان
جهان برسانیم.

ما به کارخانه نسویم ولی در
خانمان قالیچه‌های کوچک می‌بافیم و
می‌فروشیم. هرچند که وضع زندگی ما
خوب نیست ولی نمی‌گذاریم خونمان را
سرمایه‌داران بکنند.

در روستای ما دختران نمی‌توانند
بیشتر از ۵ ابتدائی درس بخوانند تازه
آنهم اگر بتوانند. من که این نامه را
می‌نویسم تا پنجم ابتدائی درس خوانده‌ام
ولی آن دو رفیق دیگر تا دوم ابتدائی
درس خوانده‌اند. چون بعد از کلاس ۵
ابتدائی باید ادامه تحصیل را به شهر رفت
ولی ما نمی‌توانیم برویم ما هر هفته نبرد
دانشآموز را مطالعه می‌کنیم ما هم آرزو
داشتیم که دانشآموز پیشگام بودیم ولی
حیف که از این آرزو محرومیم.

در خانه یک قالیچه را که در آن آرم

سازمان یافته شده است به شما اهداء
می‌کنیم. ما این قالی را با پول خودمان که
هر سه گذاشته‌ایم بافته‌ایم البته چون
دسترسی به آرم بزرگ و واضح نداشتیم و
خیلی وارد هم نیستیم، آرم را درست
نتوانستیم بیاوریم.

به امید پیروزی کارگران
درود بر فدائیان
بائسین فدائی

رفقا! شور انقلابی شما را می‌ستاییم احساسات پاکي که نسبت به سازمان
زحمتگان خلقمان، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ابراز داشته‌اید، همه
عناصر انقلابی را خوشحال می‌سازد.

رشد آگاهی شما و صدها هزار تن از جوانان زحمتکش مهین خود نشانه
آن است که روز نابودی نظام سرمایه‌داری و رهایی زحمتگان ایران نزدیک
است، روزی که لبخند پیروزی بر چهره کارگران و زحمتگان خلق خواهد بست.

پیروز باشید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پاسگاه ژاندارمری «زیاران» آیک علیه دهقانان اقدام می‌کند

روستای "زیاران" از توابع
بخش "آبیک" دارای
زمینهای حاصلخیز زیادی
می‌باشد. زمینهای این روستا
عمدتاً موقوفه آستان قدس
رضوی است که برای بهره -
برداری در اجاره زمین‌داران
بزرگ و کوچک قرار دارد.
یکی از این زمین‌داران
تیمسار "اخوان" است که از
زمان رژیم سابق حدود ۷۰۰
هکتار از این زمینها را با
وسایل تولید در اجاره خود
داشته است. بعد از سرنگونی
رژیم شاه، تیمسار اخوان نیز
فرار کرد و زمینهای کشاورزی
در اختیار و کنترل نماینده
وی قرار گرفت. روستائیان
زحمتکش زیاران که این

خود به پاسگاه آبیک می‌برند
روستائیان در اعتراض به این
عمل ژاندارمری که همواره به
عنوان حافظ منافع زمین -
داران بزرگ عمل کرده است
در حالیکه شمار می‌دادند:
تراکتورچی زندانی
آزاد باید گردد.
زمینهای باغی
آبیک باید گردد.

به طرف پاسگاه راهپیمایی
نمودند. رئیس پاسگاه ضمن
تهدید مردم می‌گفت: "شما
بدون اجازه دولت زمین را
شخم زده‌اید و ما تراکتورچی
را آزاد نمی‌کنیم"
حمایت آشکار رئیس پاسگاه
از نماینده "تیمسار"
روستائیان را به خشم آورده

برای حل مسئله پیشقدم نشد
بلکه مراجعات مکرر خود آنها
نیز به سازمانهای دولتی
اثری نبخشید. پس
روستائیان تصمیم گرفتند
خود راساً به حل مسئله
بپردازند و بی توجه به
مقامات دولتی، سرمایه‌داران
و زمین‌داران بزرگ، زمینها
را مصادره نمایند. بر این
اساس همگی متحد و مصمم
زمینها را تصرف کرده و کار
کشت را آغاز نمودند.
چند روز بعد ژاندارمها
در قیاب کشاورزان سر
زمینها می‌روند و تراکتورهایی
را که مشغول کار بودند، به
همراه یکی از رانندگان آنها
توقیف می‌کنند و به همراه

زمینها را حق خود می‌دیدند
از همان نخستین روزهای
پس از قیام به مصادره
انقلابی زمینهای تیمسار
فراری اقدام نمودند. این
عمل انقلابی روستائیان با
عکس العمل ژاندارمری و کمیته
محل روبرو شد. آنها
روستائیان را از این کار باز -
داشتند و وعده دادند که
چنانچه صبر کنند، در آینده
زمینها میان آنها تقسیم
خواهد شد. روستائیان موقتاً
از مصادره زمینها دست
کشیدند و منتظر ماندند تا
مقامات جمهوری اسلامی حق
آنها را به رسمیت بشناسند.
لیکن بیش از ۸ ماه گذشت و
در این مدت نه تنها دولت

روستای "زیاران" از توابع
بخش "آبیک" دارای
زمینهای حاصلخیز زیادی
می‌باشد. زمینهای این روستا
عمدتاً موقوفه آستان قدس
رضوی است که برای بهره -
برداری در اجاره زمین‌داران
بزرگ و کوچک قرار دارد.
یکی از این زمین‌داران
تیمسار "اخوان" است که از
زمان رژیم سابق حدود ۷۰۰
هکتار از این زمینها را با
وسایل تولید در اجاره خود
داشته است. بعد از سرنگونی
رژیم شاه، تیمسار اخوان نیز
فرار کرد و زمینهای کشاورزی
در اختیار و کنترل نماینده
وی قرار گرفت. روستائیان
زحمتکش زیاران که این



سنگر شوراهای در برابر تهاجم و توطئه‌های ضدکارگری تحکیم کمیته

در شماره گذشته (کسار ۵۹) مقاله‌ای در باره شوراهای کارگری داشتیم، تحت عنوان: "آنجا که شوراهای واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است، کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری کار، مانع تبلیغات نفاق افکنانه دشمنان خود شوند" هرچند این عنوان به‌نگار یک جنبه مهم و سازنده از نقش شورا و مبارزه انقلابی آن در وضعیت موجود است، ولی (با توجه به اوضاع تهاجم ضددمکراتیک حاکمیت و به‌ویژه حزب جمهوری اسلامی علیه نیروهای انقلابی و همچنین تشکل توده‌ای) محور اصلی آن مقاله در آن عنوان خلاصه نمی‌شد چون که ضرورت یک مقاومت اصولی و آگاهانه را در برابر این اوضاع ضد شورایی و ضد کارگری طرح و تاکید می‌کرد. گزارشی که ذیلاً می‌آید نیز در همین رابطه است. دستگیری کارگران مبارز ایردک و پشم و پتوی تبریز، مهر و موم کردن دفتر شورای کارگری ماشین‌سازی و تهدید و اخراج کارکنان آن، تحریر و سرکوب کارگران ناآگاه تراکتورسازی و انبارهای عمومی علیه شوراهای انقلابی و کارگران مبارز آن از مسائل روزهای اخیر است و این گزارش نیز به‌نگار گسترش توطئه‌های ضد شورایی و ضدکارگری در برخی از کارخانه‌های تبریز (ماشین‌سازی و تراکتورسازی) است که ما به واسطه اهمیت آن خلاصه‌ای از سیر شکل‌گیری این توطئه و تهاجم را از یکماه پیش تاکنون شرح می‌دهیم:

در تاریخ ۵۹/۲/۹ عده‌ای از عناصر معلوم الحال (ضدکارگر) کارخانه ماشین‌سازی با "سو" استفاده از عواطف مذهبی گروهی معدود از کارکنان، در محوطه کارخانه دستمای به راه انداختند و مرکز بلندگوی کارخانه را اشغال کردند و بعد بعنوان "کارگران پیرو خط امام" شورای انقلابی کارخانه را با اتهاماتی نظیر "ضدانقلاب" و... خودسرانه محکوم کردند و خواستار انحلال آن شدند. همان روز بلافاصله نماینده استاندار استانداری، نماینده دادگاه انقلاب اسلامی و امام جمعه تبریز خودشان را به کارخانه رساندند و بدون توجه به کارگران، شورای کارخانه را منحل اعلام کردند و با همدستی عناصر معلوم الحال فوق‌الذکر، دفتر هیئت اجرایی شورای کارخانه را مهر و موم کردند و بدین ترتیب شورایی که متشکل اکثریت کارگران است با توطئه مشترک نمایندگان استانداری، دادگاه انقلاب و امام جمعه تبریز و با تحریک کارکنان ناآگاه ساقط می‌شود (کارگران از این اقدام ضدشورایی بعنوان "کودتا" نام می‌برند)

در تاریخ ۵۹/۲/۱۰ یک روحانی به‌نام ابوالفضل موسوی (نماینده حزب جمهوری اسلامی در مجلس) به کارخانه می‌آید و طی یک سخنرانی تحریک آمیز صحبت از "پاکسازی" در کارخانه میکند که این امر نشانه گسترده‌تر شدن ابعاد توطئه بود یعنی آنها به انحلال شورا و مهر و موم کردن آن اکتفا نکردند بلکه بطور مشخصی به این توطئه و تهاجم جنبه ضد شورایی - ضدکارگری دادند. چه آنها فکر می‌کردند که اگر این شورا منحل شود، در انتخابات بعدی شورا، باز کارگران، نمایندگان واقعی و مبارزانشان را انتخاب خواهند کرد و شورا همچنان به مبارزاتش ادامه خواهد داد. از این رو! این توطئه ضدشورایی، جنبه ضدکارگری مشخصی یافت و حمله خود را متوجه کارگران انقلابی و آگاه کرد.

در تاریخ ۵۹/۲/۱۳ همین شخص روحانی باردیگر به کارخانه می‌آید و این بار با تهدید و اهانت مستقیم با کارگران مبارز و آگاه، بر امر "پاکسازی" به شیوه مطلوب حزب جمهوری اسلامی تاکید می‌کند.

در ۵۹/۲/۱۵ یکی از طراحان اصلی تهاجم به شورا یعنی سیدحسین موسوی به کارخانه می‌آید و طی یک سخنرانی ضدکارگری بعنوان رئیس دادگاه انقلاب اسلامی اعلام می‌دارد که: "هیئت بنام پاکسازی از فردا در ماشین‌سازی مستقر خواهد شد تا کارخانه را از عناصر ناپاک پاک سازد!" بدون آنکه کارگران بدانند که این "هیئت" ناگهان از کجا سبز شده، چه کسی دعوتش کرده و اعضای آن چه کسانی هستند و اگر این هیئت می‌خواهد برای کارخانه تکلیف معین کند، پس کارگران و شورا در این میان چه کارمند؟

در روز سه‌شنبه ۵۹/۲/۱۶ شخصی بنام میرزائی که خود را رئیس "هیئت پاکسازی استان" معرفی می‌کرد، به کارخانه آمد و طی یک سخنرانی "برنامه پاکسازی" خود را چنین اعلام کرد: "از روز شنبه صندوق در ماشین‌سازی گذاشته خواهد شد تا شکایات در آن انداخته شود و به شکایات صندوق از روز سه‌شنبه رسیدگی می‌شود و پاکسازی شروع خواهد شد" کارکنان ماشین‌سازی با وجود آنکه همه خواستار تصفیه کارخانه از عناصر مزدور و ضدکارگر بودند

ولی با بی‌اعتمادی نسبت به "هیئت پاکسازی" و با حالتی بی‌توجه و قبیح را دنبال می‌کردند و اکثریتشان قادر به پیش‌بینی نقشه‌های بعدی این "هیئت" نبودند. هرچند در همین روزها کارکنان مبارز ماشین‌سازی، ضمن اعضاء طوطی‌های بلندی در قسمتهای مختلف کارخانه حمایت فعالانه خود را از شورای انقلابی کارخانه که منتخب اکثریت کارکنان بود (و به‌وسیله عناصر شیر مسئول منحل اعلام شده بود) اعلام کردند ولی کوچک‌ترین توجهی از جانب مقامات به اصطلاح مسئول به این امر نشد. به دنبال آن کارکنان مبارز ماشین‌سازی در عین بی‌اعتمادی نسبت به برنامه‌های "هیئت پاکسازی" برای خنثی کردن بهانه - جوئی‌ها و "سو" استفاده‌های بعدی "هیئت" شکایات خود را از عناصر مزدور و ضدکارگر کارخانه به صندوق شکایات انداختند. ولی همه این نامه‌ها و شکایات کارکنان نه تنها بی‌پاسخ ماند بلکه کوچک‌ترین توجهی هم به مفاد آن نشد و در مقابل آن طراحان و سرجیان اقدامات ضد دمکراتیک (علیه شوراهای واقعی کارگران) علیرغم خواست اکثریت کارگران و کارمندان، سیاست توطئه و تهاجم علیه شورا و کارگران را تحت پوشش "پاکسازی" همچنان ادامه دادند.

در روز چهارشنبه ۵۹/۲/۲۱ در پایان وقت کار، از بلندگوهای کارخانه‌های ماشین‌سازی و لیفت تراک سازی اعلام کردند که لیست افرادی که مشمول پاکسازی هستند، خوانده می‌شود و اعلام شد که: "این افراد از روز شنبه ۵۹/۲/۲۳ حق آمدن به کارخانه را ندارند." میان بهت و حیرت کارگران و کارمندان اساسی ۴۸ نفر اخراجی خوانده می‌شود. "هیئت پاکسازی" با وقاحت و ذغلقاری، تعدادی از کارکنان انقلابی و شریف را با عده‌ای از عناصر مزدور و ساواکی (همه را باهم) مشمول "پاکسازی" کرد. کارگران و کارمندان که از این تزویر و توطئه به خشم آمده بودند بخاطر پایان یافتن ساعت کار و تعطیل کارخانه بی آنکه فرصت یابند عکس‌العمل مناسبی از خود نشان دهند با بهت و حیرت و خشم در این روز محیط کارخانه را ترک کردند. گذشته از مضمون اصلی این به اصطلاح پاکسازی که مبتنی بر تصفیه ضدانقلابی کارگران مبارز بود، نحوه "پاکسازی" عناصر مزدور و ساواکی نیز به شکلی فریبکارانه و عوام‌فریبانه صورت گرفت مثلاً در میان اساسی اخراجی نام افرادی که عدتها قبل توسط شورای کارخانه مشمول تصفیه قرار گرفته بودند (اشراقی، سرهنگ رحیمی و...) بود. سرهنگ رحیمی بعد از بهمن ماه ۵۷ از ترس کارگران از کارخانه فرار کرده بود و دیگر به کارخانه برنگشت مفهوم "پاکسازی" به شیوه مقامات مسئول حاکمه هنگامی ابعاد توطئه‌آمیز و ضدکارگری‌اش را روشن تر نشان می‌دهد که کارگران و کارمندان ماشین‌سازی همواره شاهد بودند که شورای انقلابی‌شان از مدت‌ها پیش خود پرچمدار تصفیه انقلابی عناصر مزدور و ضدکارگر وابسته به رژیم گذشته بوده و همواره پیشاهنگ مبارزه قاطعانه با اینگونه عوامل بوده است و اینک می‌بینند که توطئه‌گران ضدکارگر و ضدشورا نه تنها می‌خواهند به شورای انقلابی کارخانه به‌نحو ریاکارانه درس "پاکسازی" عناصر مزدور را بدهند بلکه گستاخانه علیه خود شورای کارخانه و کارگران مبارز و آگاه نیز توطئه "تصفیه" و اخراج را طرح و اجرا می‌نمایند.

کارگران پیشرو و آگاه در جریان شکل‌گیری این توطئه قبلاً هشدار داده و اعلام کرده بودند که: "تصفیه انقلابی عناصر ساواکی و خائنین به طبقه کارگر همواره مورد تأکید ما بوده و خواهد بود... ولی امروز عوامل شناخته شده و معلوم الحالی که خود مشمول تصفیه انقلابی هستند، بی‌مناک از گسترش مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک کارگران و زحمتکشان قصد دارند با توطئه‌گری و تحت پوشش به اصطلاح پاکسازی کارگران رزمنده و آگاه را تحت پیگرد قرار دهند." و متعاقب اجرای طرح ضدکارگری و ضدشورایی مزبور طی اطلاعیه‌ای تحت این عنوان که: "در شرایط مشخص گنوتی، پاکسازی در ماشین‌سازی و تراکتورسازی چگونه باید انجام یابد" برای مقابله اصولی با این توطئه و به منظور تحقق بخشیدن به تصفیه انقلابی پیشنهادات زیر را مطرح کردند:

- ۱- تمام کارکنان کارخانه ماشین‌سازی و تراکتورسازی فعالانه شکایات خود را از عناصر ضدکارگر و حامی سرمایه‌داران در صندوق شکایات ببنادانند (تمام شکایات باید با امضا و اسم شاکی همراه باشد اگر شکایتی بدون اسم و تنها با امضا محفوظ باشد، معتبر نیست)
- ۲- تمام شکایات باید در حضور کارگران و کارمندان در مجمع عمومی خوانده شود.
- ۳- اشخاصی که مورد اتهام قرار گرفته‌اند، در حضور

جمع حق دفاع از خود داشته باشند) باید تریبون در اختیار آنها گذاشته شود)

۴- هیئت پاکسازی باید نماینده واقعی کارکنان و مورد قبول اکثریت کارکنان باشد.

۵- دادگاه به صورت علنی با شرکت کارکنان ماشین‌سازی و تراکتورسازی تشکیل شود.

۶- کارکنان حاضر در مجمع عمومی در مورد متهمین تصمصم نهایی را به صورت رای‌گیری مخفی و با نظارت هیئت پاکسازی پیشنهادی در فوق اعلام نمایند. تصمصم اکثریت و رای آنها باید محترم شمرده شود.

با وجود آنکه اکثریت کارکنان خواهان اجرای این طرح بودند، ولی از آنجا که قبول و اجرای این طرح از طرف هیئت تحمیلی به اصطلاح پاکسازی موجب می‌شد که ماهیت طرح‌های ضدشورایی و ضدکارگری آنان بیش از پیش برملا شود. لذا بدون توجه به خواست کارکنان، این هیئت طرح خودسرانه خود را در چهارشنبه ۵۹/۲/۲۱ اعلام کرد.

کارگران مترقی و مبارز در برابر این اقدام اعلام کرده‌اند که: "اولاً اعضای هیئت پاکسازی و کسانی که با آنها همکاری می‌کنند باید به کارکنان معرفی گردند. ثانیاً در حضور همه کارگران و کارمندان کم و کیف به اصطلاح پاکسازی ای که تصمصم در ۲/۲۱ اعلام شده دقیقاً مورد بررسی جمع قرار گیرد و افراد شاکی و متهم نیز در این جمع حضور یافته و مورد اتهام نیز مورد قضاوت همگانی قرار گیرد" ولی توطئه‌کنندگان موفقیت کذائی و غلبه موقتی‌شان را (در به‌دست گرفتن اداره کارخانه بر قضاوت اکثریت کارگران ترجیح می‌دهند. کارگران و کارمندان ماشین‌سازی و تراکتورسازی بیش از هر مقام و مرجع دیگری حق تصمصم‌گیری در مورد مسائل و مشکلات کارخانه را دارند. مقامات استانداری، دادگاه انقلاب و نظایر آن ممکن است در حوزه فعالیت‌هایشان مسئول باشند ولی در حوزه فعالیت کارخانه، شورای کارخانه که منتخب کارکنان کارخانه است مسئول مستقیم است.

انحلال شورا و مهر و موم کردن دفتر آن از جانب عناصر مدخل‌گر و غیرمشمول اقدامی ضدشورایی و ضدکارگری است. ما بار دیگر تأکید می‌کنیم که نمایندگان شورا مستقیماً به وسیله همه

کسانی که در کارخانه کار می‌کنند تعیین شده و در صورت لزوم به وسیله همانها نیز عزل خواهند شد و هیچ مقام و مرجع دیگری حق ندارد برای کارگران نماینده‌ای را منصوب و یا عزل کند و با به‌جای کارگران تصمصم بگیرد. شورا قبل از همه متعلق به کارگران است و تعیین خوب و بد آن نیز با آنهاست و کارخانه محل کار و زندگی و مبارزه کارگران است و از این رو هیچ مقامی حق تجاوز به حریم آن را ندارد. حال آنکه مقامات به اصطلاح مسئول نه تنها شورا را خودسرانه منحل اعلام کرده و دفترش را مهر و موم میکنند، و نه تنها این شورا را قبول ندارند و به رای اکثریت کارگران پایبند نیستند بلکه اساساً حاضر نیستند نظر کارگران را در مورد پاکسازی بدانند و به همین خاطر به این پیشنهاد که مجمع عمومی‌ای تشکیل شود که مسئله پاکسازی و کم و کیف آن را مورد بررسی قرار داده و تصمصم‌گیری کند، وقتی نمی‌گذارند ما معتقدیم که این اقدامات ضدشورایی و ضدکارگری مقامات مسئول حاکمه که به اتکالی‌اقلیتی از کارکنان (اعم از کارکنان مزدور و یا فریب‌خورده و ناآگاه) علیه اکثریت کارکنان و شورای منتخبشان صورت گرفته و می‌گیرد اقداماتی است در جهت حفظ منافع امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار ایران و طراحان و مجریان اینگونه اقدامات خواسته و یا ناخواسته در خدمت امپریالیسم قرار می‌گیرند و آب به آسیاب ضدانقلاب می‌ریزند. کارگران و کارمندان مبارز ماشین‌سازی و تراکتورسازی همانگونه که در عمل (بر مبنای آنچه که در این گزارش آمده است) نشان داده‌اند ضمن محکوم کردن اینگونه اقدامات و افشای توطئه‌های ضدشورایی و ضدکارگری دیگر، مقابله اصولی و آگاهانه شان را به اتکالی‌تشکل وسیع و هماهنگشان سازمان می‌دهند یعنی در قدم اول اتکالی به مجمع عمومی و برگزاری دمکراتیک آن در جهت هرچه روشن‌تر کردن کم و کیف قضایا (عملکردهای شورا، سابقه مبارزاتی آن و همچنین اتهاماتی که به شورا و کارگران مبارز زده شده است و افشای این توطئه و توطئه‌گران) و مضمون عمده مبارزه در مجمع عمومی، طرد عوامل ضدشورایی و ضد کارگری از کارخانه و زمینهای برای احیاء و اعاده تشکلی موثرتر و مشخص‌تر از مجمع عمومی (یعنی شورا) و در قدم دوم تدارکات انتخاباتی دمکراتیک برای اعاده واحیای شورای منتخب کارکنان است.

افول امپریالیسم هر روز شتاب بیشتری می گیرد و حشم انداز پیروزی زحمتکشان جهان نمایان تر می شود

قیام دلاوران مردم کره جنوبی حکومت سرسپرده این کشور را در آستانه سرنگونی قرار داده است.

گسترش مبارزه سیاهان علیه نژادپرستی، امپریالیسم آمریکا را با دشواریهای بیشتری روبرو ساخته است.

روزهای آینده، روزهای حساسی در تاریخ مبارزات خلق کره است. امپریالیسم حاضر نیست به هیچ قیمتی از کره دست بکشد و مردم هر دم مصمم تر می شوند که استقلال و آزادی خود را کسب کنند.

مبارزات سیاهان آمریکا بیکار دیگر ماهیت امپریالیسم آمریکا را بطور روشنی در انظار جهانیان قرار داد و سیاست "حقوق بشر" سرمایه داران و امپریالیستها در دفاع از "حقوق" جانان و اوباشان امپریالیسم را رسواتر ساخت.

خود را کسب نمایند.

زحمتکشان سیاه در آمریکا علیه نژادپرستان سرمایه دار

در هفته گذشته ما همچنین شاهد اوج گیری شورشهای سیاهپوستان آمریکا در برخی شهرهای جنوبی این کشور بودیم. محاکمه ۴ پلیس دولت امپریالیستی و نژادپرست آمریکا به اتهام قتل یک جوان سیاهپوست و سپس تیرگی آنها در یک دادگاه مابین، خشم و نفرت مردم سیاه را برانگیخت و شورشهایی که به مدت چند روز شهر را در خود گرفت به بار آورد. این شورش که به درگیریهای شدید با پلیس و گارد به اصطلاح ملی آمریکا انجامید، تنها نمونه ای بود از حرکات سیاهان برای مبارزه با تبعیض نژادی سرمایه داری و در جهت کسب حقوق این مردم محروم. اما همین جرقه ماهیت کره امپریالیسم را بیش از پیش عریان ساخت و نشان داد که امپریالیسم آمریکا که عامل اصلی فقر و ستم طبقاتی است، مدافع سرخست تبعیض نژادی و سایر پدیده های منحل اجامه سرمایه داری است.

مبارزات سیاهان آمریکا از سابقه های بسیار طولانی برخوردار است. مبارزه در جهت لغو بردگی سیاهان در دوران جنگ داخلی آمریکا مبارزه برای احقاق حقوق مدنی سیاهان در سالیهای پس از جنگ جهانی دوم و بالاخره مبارزات سیاهان در سالهای ۴۰-۱۹۶۰ نقاط درخشانی از مبارزات خلقها علیه امپریالیسم و ستم سرمایه داری می باشد. اوج گیری مبارزاتی سیاهان در دهه گذشته که منجر به دستاوردهای بسیاری برای آنان شد، سازمان های سیاسی را که در جهت هدایت مبارزات آنان می کوشند، به وجد آورد اما مبارزات این سالها بطور عمده تحت تاثیر گرایشهای سلامت آمیز سازشکارانه مارتن لوتر کینگ و سایر رهبران سیاه قرار داشت. دولت آمریکا که از

انقلابیون است و سنگرهای غیابانی محکم و پا برجاست.

بحران سیاسی در کره اوج بیسابقه ای یافته است. گرایشهای انقلابی و سازشکارانه در مقابل هم صف کشیده اند و هر یک سعی دارند رهبری مبارزات را در دست گیرند. کمیته شهروندان کوانگجو (کمیته کنترل بحران) به رهبری اسقف اعظم یون کونگ هی مذاکره با دولت برای خلع سلاح مردم و پایان دادن به بحران را آغاز نموده است. آنها حتی بخشهایی از مردم را نیز خلع سلاح کرده اند و اسلحه ها را به سربازانی که آماده حمله به شهر هستند تحویل داده اند. سعی آنها بر این است که خواستهای مردم را در چهارچوب محدود سازند.

از طرفی نیروهای انقلابی خواستار ادامه مبارزه و سرنگونی حکومت وابسته به امپریالیسم هستند. ما از موقعیت و کم و کیف نیروهای انقلابی اطلاع دقیقی در دست نداریم اما شواهد و قرائن حاکی از آن است که کمیته دانشجویان یکی از هسته های مرکزی هدایت این گرایش است. تظاهرات چند ده هزار نفری در کوانگ جو که با شعار ادامه مبارزه تا به آخر مطرح شده و طرح سطله مبارزه در سنگرها از طرف دانشجویان بیانگر کوششهای این گرایش می باشد.

آخرین اخبار حاکی از آن است که مردم کره شمالی تظاهرات وسیعی به پشتیبانی از مبارزات هموطنانشان در جنوب به راه انداخته اند. امپریالیسم آمریکا که هیچ ابایی از اعلام رسمی وجود سربازانش در کره و احتمال دخالت نظامی وسیع ترش در این کشور ندارد، با عنوان رفع خطر تجاوز کره شمالی به جنوب، ناوگان خود را به آبهای کره فرستاده و منتظر است که در صورت اوج گیری بیشتر بحران مستقیماً به سرکوب بپردازد. روزهای آینده روزهای حساسی در تاریخ مبارزات خلق کره است

خارجی ۲- کسب وحدت مجدد کشور از طرق صلح آمیز و بدون استفاده از تیر به وسیله شمال و با جنوب

۳- رسیدن به وحدت بزرگ ملی و گذار برای از بین بردن اختلافات ایدئولوژیک، عقیدتی و سیستم ها

نمایندگان دولت جنوب بظاهر پای این سه اصل را امضا کردند اما هنوز مرکب موافقتنامه خشک نشده بود که کوشش برای زیر پا گذاشتن ظاد آن را آغاز نمودند. آنها مدعی شدند که "نیروهای سازمان ملل" در کره جنوبی نباید بمنوان یک نیروی خارجی تلقی شود و اعلام داشتند که هیچ ضرورتی برای طغی کردن "قانون ضد کمونیستی" که سدره وحدت

نماید. نزدیک بود که ارتش خلقی تحت فشار نیروی عظیم آمریکا ضربه بخورد که در اکتبر ۱۹۵۰ پیش از یک سیلین داوطلبان چینی وارد جنگ شدند. مردم کره به همراه داوطلبان چینی پاسخ دندان شکنی به تجاوزگری آمریکا دادند و آمریکا در اجرای برنامه اش دچار شکست شد. سرانجام در ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۳ آتش بس اعلام شد و این جنگ که به قیمت خون دهها هزار تن تمام شد، متوقف گردید. کره رسماً به دو قسمت تقسیم شد. اکنون بیش از ۳۵ سال است که کره همچنان به دو قسمت تقسیم شده است. پدران، مادران، فرزندان، زنان و شوهران از یکدیگر جدا شدند. منابع کشور به فارت امپریالیسم رفته و

تبعیض نژادی و... ضرباتی نوین را از درون به در امپریالیسم وارد می آورد و همراه با مبارزات طبقه کارگر این کشورها روند انقلابی جهان را تسریع می نماید. شورشهای اخیر سیاه پوستان آمریکا نیز تنها نمونه ای از این حرکات است.

اوج گیری مبارزه خلقی در کره جنوبی

هفته گذشته بدنبال تظاهرات ضد امپریالیستی دهها هزار تن از دانشجویان کره ای در شهر سئول و سایر شهرهای این کشور و نبردهای غیابانی سه روزه بین دانشجویان که خواستار استعفای رئیس جمهور و رئیس پلیس محلی این کشور (سیا) بودند، رژیم ارتجاعی و دست نشانده امپریالیسم کره جنوبی به بهانه خطر تجاوز کره شمالی در سراسر این کشور اعلام حکومت نظامی کرد. بدنبال اعلام حکومت نظامی موج وسیعی از مبارزه سراسر این کشور بخصوص ایالت جولا (شهر کوانگجو) را فراگرفت و مبارزات مردم ابعاد بیسابقه ای یافت. گفته می شود که این مبارزات در تاریخ بیست ساله اخیر کره بیسابقه بوده است.

در دوران جنگ جهانی دوم مردم کره تحت رهبری حزب کمونیست این کشور و در اتحاد با خلقهای چین و هندوچین شکست سختی بر امپریالیستهای ژاپنی که خاک کره را اشغال کرده بودند، وارد ساختند و کنترل بخشهای وسیعی از کشور را در دست گرفتند. در سال ۱۹۴۵ امپریالیسم آمریکا ارتش خود را در خاک کره پیاده کرد و بلافاصله یک "حکومت نظامی" در آنجا برقرار ساخت تا به وسیله آن کره را تجزیه کرده و مانع وحدت کامل این کشور شود.

امپریالیسم آمریکا بدین وسیله نفوذ همجانبه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خود را در کره آغاز کرده و به استثمار مردم جنوب کره پرداخت. آمریکا به این هم اکتفا نکرد و با تحرکات نظامی بی دردی سرانجام جنگ تجاوزگرانه سه ساله (۵۳

رشد فزاینده مبارزات طبقه کارگر و خلقهای جهان مرگ محتوم امپریالیسم و زوال تاریخی آن را هر روز نزدیکتر می کند. اینک در آمریکای مرکزی پس از انقلاب نیکاراگوه، السالوادور و کستاریکا در تلاطم انقلاب به سر می برند. خلقهای سراسر قاره آمریکای لاتین هر روز گام های جدیدی در جهت محو نابودی سطله امپریالیسم به پیش می گذارند. در آفریقا اکنون پس از انقلابات سالیان اخیر در گینه بیسائو، موزامبیک و آنگولا و پیروزی های اخیر انقلاب زیمبابوه سایر خلقهای مبارزات خود را گسترش می بخشند. مبارزات مردم آفریقای جنوبی (آرانتا) آفریقای جنوب فریبی (نامیبیا)، صحرای...

رشد روز افزون می یابد. در خاورمیانه گسترش انقلاب در ایران و افغانستان دایره نفوذ امپریالیسم را تنگتر می کند. خلق نبرهان فلسطین قاطع و مصمم به پیش می رود. ترکیه در پیبب امتلاز انقلابی به سر می برد، در عراق، عمان و اکثر کشورهای منطقه حرکتهای انقلابی گسترش می یابند. در آسیای جنوب شرقی پس از رهائی کامل خلقهای هندوچین، مبارزه انقلابی در سایر کشورها گسترش می یابد و رشد مبارزات مردم کره جنوبی جدیدترین نمونه این تحولات است.

گسترش دامنه انقلاب در جهان و مبارزات سه نیروی متحد اردوگاه سوسیالیستی، طبقه کارگر جهانی و خلقهای تحت سطله علیه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم امری - بحران جهان امپریالیستی را شدت بی سابقه ای بخشیده است. تورم و رکود در اقتصاد امپریالیسم به پدیده های مزمن تبدیل می گردد. بیکاری در این کشورها هر روز ابعاد بیشتری پیدا می کند. جنگ های تجاوزگرانه آمریکا چیزی جز شکست های بی دردی برای باقی نگذاشته و در چنین شرایطی است که مبارزات

گسترش دامنه انقلاب در جهان و مبارزات سه نیروی متحد: اردوگاه سوسیالیستی، طبقه کارگر جهانی و خلقهای تحت سطله علیه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا، بحران جهان امپریالیستی را شدت بیسابقه ای بخشیده است.

بود، وجود ندارد. آنها سیاستهای ضد کمونیستی خود را همچنان ادامه دادند و به قتل دمگراتها و میهن - پرستان جنوب پرداختند آنها دست نشانده امپریالیسم بودند و آمریکا به هیچوجه مایل به وحدت مجدد کره نبود.

در این دوران فقر، ستم طبقاتی، استثمار و... همچنان در جنوب افزایش یافته و فحشاء و فرسنگ منحل امپریالیستی بیشتر و بیشتر اشاعه یافت اما مردم کره جنوبی همچنان به مبارزات خود ادامه دادند. اینک در شرایطی که شهرهای مختلف ایالت جولا به وسیله قیام های توده ای از کنترل رژیم ارتجاعی کره جنوبی خارج شده است، مردم طبرقم نهییدات امپریالیسم و رژیم ارتجاعی همچنان مبارزه خود را ادامه می دهند طبق اخبار خبر - گزاریها تا این روزها حد اقل ۲۵۰ تا ۸۰۰ نفر شهید و صدها نفر زخمی شده اند.

استعمار شدید مردم همچنان ادامه یافته است. در این مدت کره جنوبی به پایگاهی برای تجاوزات نظامی آمریکا تبدیل شده و ارتش آمریکا هم اکنون بیش از ۴۰ هزار سرباز در خاک کره دارد (تحت عنوان نیروهای صلح سازمان ملل متحد) و علاوه بر آن فرماندهی بخش اعظم نیروهای کره جنوبی مستقیماً با فرماندهان آمریکایی است. آمریکا در این مدت از روی نمونه سازمان سیا سازمان چینی سیای کره را که شبه ساواک است به وجود آورده و قتل و کشتار انقلابیون را ادامه داده است.

جمهوری دمکراتیک خلق کره بارها سطله وحدت مسالمت آمیز دوحشی کره را مطرح ساخته و همواره در جهت آن کوشیده است. در سال ۱۹۷۲ یک بیانیه مشترک از طرف بخشهای شمال و جنوب منتشر گردید که در آن سه اصل ناظر بر وحدت مجدد کشور به این ترتیب مطرح شده بود:

اوج گیری مبارزات سیاهان در آمریکا علیه نژادپرستان سرمایه دار

امریالیسم حاضر نیست به هیچ قیمتی از کره دست بکشد و مردم هر دم مصمم تر می شوند که استقلال و آزادی خود را کسب کنند.

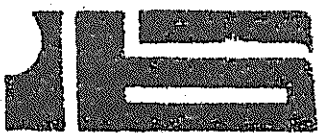
کوانگجو) نهر ۸۰۰ هزار نفری) همچنان در دست مردم است و سلاحهای مصادره شده در دست

۱- قبول مسئله وحدت مجدد کشور به شکل مستقل و بدون دخالت هیچ سروی

۱۹۵۰) خود در کره را به راه انداخت تا به وسیله آن سراسر خاک کره را اشغال کرده و به چین دست اندازی

ردم سیاه، اسپانیولی، پورتوریکوئی، در آمریکا... ستم طبقاتی،

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



اقدام انقلابی زحمتکشان خرم آباد برای حل مشکل مسکن

مساله مسکن همواره یکی از بزرگترین مشکلات زحمتکشان در سراسر ایران بوده است. فشار ناشی از قیمت‌های سرسام آور زمین کمیود خانه خالی، اجاره بهای سنگین و ... بیش از همه بر دوش زحمتکشترین اقشار سنگینی می‌کند.

زحمتکشان خرم آباد نیز به شدت با این مشکل دست به گریبان هستند، محدودیت اراضی شهر و مهاجرت گسترده روستائیان که به علت اصلاحات ارضی شاه جلاد آواره شهر شده‌اند در چند سال اخیر بر شدت و خامت وضع مسکن بیش از پیش افزوده است. بطوری که هر دو تا سه خانوار کم در آمد مجبورند در یک خانه کوچک زندگی کنند.

در این میان عده انگشت شماری زمین‌خوار که قسمت اعظم زمین‌های شهر را در اختیار خود گرفته‌اند نیز با ایجاد بازار سیاه و شهرک سازی، قیمت‌ها را در سطح بسیار بالایی نگاهداشته و از این طریق خون زحمتکشان را هر چه بیشتر می‌کنند.

همزمان با اوجگیری مبارزات مردم در سال ۵۷ معاملات زمین در خرم آباد دچار رکود شد و تا مدت‌ها پس از قیام با آنکه قیمت‌ها به میزان زیادی پائین آمده بود لیکن مردم که امید داشتند جمهوری اسلامی مشکل مسکن را حل کند، از خرید زمین خودداری می‌کردند. دولت به جای آنکه به حل ریشه‌های مساله بپردازد و از طریق مصادره سرمایه‌داران، زمین‌های بزرگ داخل شهرها و در پیش‌گرفتن یک برنامه وسیع خانه سازی، این مساله را به نفع زحمتکشان حل کند تنها به پرداخت وام مسکن اقدام نمود. این امر از یکطرف امیدهای مردم را به اقدامات دولت خیلی زود تر هم شکست و به آنها نشان داد که در زمینه مسکن نیز مثل تمام زمینه‌های دیگر از اقدامات انقلابی توسط مقامات حکومت خبری نیست و از طرف دیگر باعث دلگرمی

زمینداران بزرگ شهر و رونق بازار آنها شد. بطوری که قیمت‌های زمین را به گونه‌ای سرسام‌آور و در مواردی حتی تا حد قیمت‌های سابق بالا بردند. مردم که می‌دیدند سرمایه‌داران همچون گذشته زالووار به جانشان افتاده‌اند و دولت هم نمی‌خواهد در جهت مبارزه با آنها قدمی بردارد، سرانجام کاسه صبر آنها لبریز شد و در روز ۱۶ فروردین، عده‌ای از زحمتکش‌ترین اقشار شهر و عمدتاً روستائیان مهاجر، خود را سا برای حل مساله مسکن به پا خاستند. آنها همراه با زن و بچه خود بیل و کلنگ به دست زمین‌های زمینداران بزرگ را بین خود تقسیم کردند. حدود هر قطعه را مشخص نمودند و بعضی هم کار "بی‌کنی" را شروع کردند. زحمتکشان به هنگام مصادره انقلابی زمینها می‌گفتند: "مگر قرار نبود که اگر سرمایه‌دارها با مردم راه نیابند با قیام مردم روبرو شوند، خوب از آنجا که زمینداران این شهر روز بروز بر قیمت‌ها اضافه می‌کنند بنابرین ماهم علیه آنها قیام کرده‌ایم."

زحمتکشان خرم آباد با اقدام انقلابی خود نشان دادند که تنها با مبارزه مستقیم خودشان است که باید حقوق خود را از سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ بگیرند. رشد انقلابی زحمتکشان خرم آباد در جریان تقسیم زمینها، روحیه تعاون و همبستگی‌شان در این جریان چشم‌گیر بود. بطوریکه هیچ خانواری بیش از نیاز خود زمینی را تصرف نکرد و اگر احیاناً خانواری قطعه ۴۰۰-۵۰۰ متری را مصادره کرده بود آن را با بقیه زحمتکشان تقسیم می‌کرد. مثلاً در روستای جهانگیرآباد که در نزدیکی شهر قرار دارد روستائیان پس از مشورت قرار گذاشتند که برای اینکه به همه خانواده‌ها زمین برسد، هیچکس بیش از ۱۲۰-۱۱۰ متر زمین مصادره نکند و همه نیز اینکار را انجام دادند.

نامه يك کارگر بيگار به نشریه کار

تنها ما زحمتکشان با تمام وجود به شعار "مرگ بر امپریالیسم پای بندیم"

یکسال و خورده‌ای از قیام مردم ایران بر علیه شاه جنایتکار و اربابانش می‌گذرد هرچه می‌گذرد، زحمتکشان مهین انتظارشان از اینکه زندگیشان سرو سامانی بگیرد کمتر برآورده شده می‌بینند. گرانی، بیگاری و فقر کمزور زحمتکشان را دارد می‌شکند بخصوص کمزور زحمتکشانی را که بیگار باشند و حتی درآمد خرید همین جنس‌های کمیاب و گران را نداشته باشند. مسئله بیگاری، فشار گرانی و کمیابی و بی‌خانمانی را به عصیانی صدچندان بدل می‌کند. از اول قیام تا حالا داریم برای کار به هر دری اساسی برای حل بیگاری برداشت. هر وقت هم که صدایمان درآمد، به ما گفتند "ضدانقلاب" این جور تهمت‌های بیجا را توی دهن مردم ناآگاه انداخته‌اند.

چه کسانی این تهمت‌های بیجا را می‌زنند؟ کسانی که این تهمت‌ها را علیه زحمتکشان رواج می‌دهند، می‌خواهند کاری کنند که هیچ اعتراضی بر علیه ضدانقلاب واقعی نباشد. مدتی است که علاوه بر تهمت ضدانقلاب زدن، یک چیز دیگر هم یاد گرفته‌اند. تا حرف می‌زنی، می‌گویند: "ساکت! شلوغ نکنید! داریم با امپریالیسم مبارزه می‌کنیم!" با امپریالیسم چه جور مبارزه می‌کنند؟ با چه چیزی مبارزه می‌کنند؟ امپریالیسم که در عالم غیب نیست، همین جاست! امپریالیسم یعنی طبقه سرمایه‌دار و زمین‌دار، امپریالیسم یعنی بی‌خانمانی، امپریالیسم یعنی کمیابی و گرانی و ... شما با این چیزها مبارزه می‌کنید؟ با گرانی و کمیابی مبارزه می‌کنید یا با چندتا

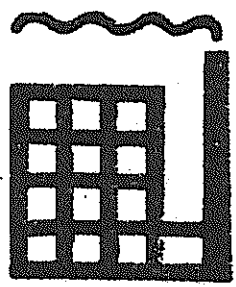
کاسب به اصطلاح گرانفروش؟ با بیگاری مبارزه می‌کنید یا با بیگاران؟ با طبقه سرمایه‌دار و زمین‌دار مبارزه می‌کنید یا با شوراها و کارگری و شوراها و دهقانی ترکمن صحرا؟ مبارزه واقعی با امپریالیسم کار ماست چون ما از جان و دل و با تمام وجود می‌خواهیم از شر بیگاری خلاص شویم و از شر گرانی و بی‌خانمانی و فقر خلاص شویم. از ظلم و اجحاف طبقه سرمایه‌دار خلاص شویم. ما قدر این مبارزه را می‌دانیم چون هستی و نیستی ما به این مبارزه بستگی دارد نه شما که فقط خودتان را می‌بینید! تنها ما زحمتکشان با تمام وجود به شعار "مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر ضدانقلاب" پای بندیم.

نامه گروهی از کارگران ذوب آهن شاهرود:

طبق دستور حزب جمهوری اسلامی شاهرود، می‌خواهند کارگران آگاه را اخراج کنند

کار ببرند که حاصلش به نفع طبقه سرمایه‌دار است. با در نظر گرفتن اینکه این اقدامات از طرف افرادی معلوم الحال از طرف این حزب بوده و دولت و مقامات مسئول این حزب در برابر این اقدامات نادرست و توطئه‌های ضد کارگری باید جوابگو باشند و به حرف ما ترتیب اثر بدهند. از شما می‌خواهیم که این مطلب را در روزنامه کار چاپ کنید. به امید بیروزی راهتان که راه زحمتکشان و کارگران است. گروهی از کارگران ذوب آهن (شاهرود)

روزنامه محترم کار: ما گروهی از کارگران ذوب آهن شاهرود بخش طرزه می‌باشیم. طبق دستور حزب جمهوری اسلامی شهرستان شاهرود، این قسمت مشمول "پاکسازی" شده و افرادی که از نظر آنها مظنون باشند یعنی در واقع کارگران و زحمتکشان آگاهی که آنها تحت عنوان چپی و یا جنبشی می‌شناسند، بایستی به اصطلاح پاکسازی شده و به جای آنها قرار است افرادی استخدام شوند که اینها دلشان می‌خواهد. این اقدام اینها هم باعث بیگار شدن



باند های ضد انقلاب را متلاشی سازیم

باند بختیار - اویسی خرمنها را آتش می زند

توطئه چینی های پالیزبان سردار جاف، بختیار و... تحت حمایت رژیم عراق هر روز جدی تر و خطرناک تر می گردد. آنها هم اکنون بطور وسیع در مناطق گوران قلخانی و دشت ذهاب از اطراف کرمانشاه به استخدام مزدور پرداخته و نیروی سازمان یافته و کاملاً مسلحی تدارک دیده اند و بر زمینه احتیاجات مادی و ناآگاهی مردم منطقه دست به تبلیغات وسیعی زده و در مواردی توانسته اند از حمایت مردم ناآگاه برخوردار شوند این جریان ارتجاعی و وابسته می تواند همچون سپاه رزگاری در کردستان به خطر بالقوه برای جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک میهنان تبدیل گردد و ضربات سختی به جنبش وارد آورد. زمینه های چنین اقداماتی از هم اکنون آماده است.

گرفته است و تاکنون انواع اسلحه های امریکائی را از مرز عراق به داخل وارد کرده است. از جمله عملیات خرابکارانه ای که این باند جنایتکار انجام داده است عبارتند از: حمله به موسسات دولتی، دزدی اموال روستائیان و کشتن عده ای از روستائیان که در مقابلشان مقاومت کرده اند، دزدی احشام روستائیان زحمتکش منطقه، گروگان گیری مسافران در جاده ها و غارت اموال آنها، حمله به دکل تلویزیون و مخبرات کردن و قتل یکی از زحمتکشانی که مقاومت کرده بود، حملات مکرر به تأسیسات نفتی "بالاتاق" و "نفت شهر" سرعت ماشینهای شخصی و کرایه، ترور تنی چند از زحمتکش و انقلابیون منطقه این باند از شبکه ارتباطی و اطلاعاتی منسجمی برخوردار است بطوریکه کوچکترین اخبار اقصی نقاط کشور به دستشان می رسد و این اخبار از طریق عناصری که در موسسات و ادارات و ارتشها آنها همکاری دارند، به دستشان می رسد.

باند بختیار - اویسی برای پیشبرد مقاصد شوم خود در منطقه کرمانشاه دست به سازماندهی عده ای مزدور که در رژیم سابق به عنوان "دلاور" یا "جوانمرد" به استخدام دولت درآمده بودند، زده اند. در رأس یکی از گروههایی که این باند ضدانقلاب را سازمان داده است، شخصی به اسم قاسم افضلی رئیس کارگزینی و معاون استانداری سابق کرمانشاه قرار دارد که فردی است بسیار مرتجع و سرسپرده به امپریالیسم. وی با استفاده از اعتقادات مذهبی مردم و با تکیه بر حمایت امثال ذوالفقاریها - از سرمایه داران معروف منطقه - اوباشان را به کار گرفته و برنامه های حمله به کانونها و تجمعات سازمانهای مترقی و ترور و دستگیری جوانان انقلابی منطقه را طرح ریزی می نماید. بعد از قیام عده ای از ارتشیان مزدوری که از جنگ مردم گریخته بودند به شبکه بختیار پیوسته و فعالیت خود را در این باند شروع کرده اند. این باند همچنین با پرداخت اجرت ۱۲۰۰۰ - ۳۰۰۰۰ ریال عده ای از روستائیان ناآگاه منطقه را به خدمت اهداف ننگین خود

منطقه توضیح دهند در اینجا برای آگاهی بیشتر هم میهنانمان از چگونگی عملکرد باند، پالیزبان - بختیار در منطقه کرمانشاه گفتگویی را که یکی از کسانی که برای کسب اطلاعات در این شبکه ضدانقلابی نفوذ کرده است، با یکی از مزدوران این باند داشته است، می آوریم:

س- خوب خالو، عراق خوش بود؟ چکار کردی؟ تفنگ گرفتی؟
ج- هی هی آقا... نمیدانی چقدر سفر جالبی بود، یک قبضه اسلحه با ۲۰۰ عدد فشنگ گرفتم. مدتی اینجا هستم بعد دوباره میروم عراق.

س- خوب آنجا می روی چکار؟
ج- اگر ماموریت باشد میرویم و اگر نباشد، میخوریم و می خوابیم.

س- راستی ماموریت چه جوری می روی، چکار می کنی؟
ج- ماموریت به ما می دهند، می گویند بروید فلان پاسگاه یا فلان مرکز را زیر آتش بگیرید، خراب کنید و برگردید. همین!

س- وقتی به یک پاسگاه حمله کردید و آن را خراب کردید، اگر افرادی را دستگیر کنید چکارش می کنید؟ اسلحه هایش را هم می برید؟

ج- آن روز که پالیزبان برای ما سخنرانی کرد، گفت: "برادران عزیز شما باید هیچ دزدی نکنید. وقتی به شما می گویم این کبریت را زیر و رو کنید، آن را زیر و رو کنید و بس! من نمی خواهم یکی از شما آسیب ببیند. نمی خواهم اسلحه یا فشنگ بیاورید. هر چه بخواهید خودم می دهم" اومی گفت: "ما کارهای مهم تری داریم، اینها کوچک است."

س- در حدود چند نفر هستید
ج- جمعا ۶-۵ هزار نفر هستیم و گروه گروه می شویم. هر گروه به یک ماموریت می رود. بعضی از ماها تا خوزستان، اهواز، آبادان و دزفول هم می رویم و گروههایی هم هستند که تا تهران می روند، ماموریتشان را انجام می دهند و برمی گردند.

س- ماموریت شما چیست؟
ج- ماهی ۱۲۰۰ تومان و هر چه هم گیرمان بیاید (غنایم و مال دزدی) مال خودمان است.
س- اسلحه سنگین هم دارید
ج- بله داریم. من خودم ۹ دانه تانک شرمدم که بالای همه آنها توپ بود. نمیدانی قیامت است.

دشمنان مردم
خرمنها را
آتش می زنند!

توطئه ها و دسائس دشمنان مردم برای به شکست کشاندن مبارزات آنان که در راه استقلال، کار، مسکن و آزادی صورت می گیرد، هر روز دامنه وسیع تری می یابد. از جمله فتوئدالها و زمین داران بزرگ که در نتیجه مبارزات دهقانان و زحمتکشان روستا منافع خود را از هر طرف در مخاطره می بینند، به کمک باندها و شبکه های جاسوسی امپریالیسم امریکا و بختیار - اویسی - پالیزبان در صدد اند خرمنهای دهقانان را به آتش کشند.

به ویژه در مناطقی که شوره های دهقانی، زمین های فتوئدالها و زمین داران بزرگ را مصادره کرده اند، نقشه دشمنان مردم این است که با آتش زدن خرمنها و نسبت دادن آن به کمونیستها از یک سو به بحران اقتصادی دامن زنند و از سوی دیگر انقلابیون را بدنام ساخته و پراکندگی صفوف نیروهای ضد امپریالیست را افزایش دهند و جو بدبینی و افتراق را هر چه بیشتر گردانند. فدائیان خلق اعتقاد دارند جنایتکارانی که خرمنهای دهقانان را به آتش می کشند، باید در دادگاههای صالحه محاکمه و اعدام شوند. باید اسنادی که ارتکاب چنین جنایتی را محرز می سازد، در پیشگاه خلقهای قهرمان ایران عرضه شود تا دوستان و دشمنان مردم شناخته شوند و دشمنان رسوا تر گردند.

ما از همه زحمتکشان و دهقانان سراسر کشور می خواهیم که رهنمودهای "اتحادیه سراسری دهقانان ترکمن صحرا" را در این زمینه مورد توجه قرار داده و راهنمای عمل خود سازند.

س- این تانکها و توپها مال عراق است؟
ج- نه! مال کردهای ساواتنی خودمان است. البته عراقیها هم دارند، آنها وضعشان از ما مجهز تر است س- وقتی شما به ماموریت می روید، افراد عراقی هم با شما می آیند؟
ج- نه خودمان به سرپرستی سرگروه می رویم.
س- حالا آنها منتظر تو هستند؟
ج- آره من باید بروم و چیزی برایشان ببرم...

س- یکی دیگر از این مزدوران می گفت:
"در منطقه "چوارکلاو" عراق در داخل یک شهرک هستیم و آنجا مثل سربازخانه آسایشگاه داریم. همه گونه وسایل آسایش فراهم و فراوان است. اگر هم غذا کم داشته باشیم از دهاتیها می گیریم و اگر ندهند، خرمنهایشان را آتش می زنیم!"

س- از افراد مهم کی را می شناسی؟
ج- ارتشید اویسی با دو نفر از پسرانش، پسرانش لباس کردی می پوشد و خودش لباس فارسی (منظور کت و شلوار است) و بعد دکتر بختیار هم هست. همه آنها برای ما سخنرانی کردند. من جمعا ۶ نفر "سر" دیده ام (مقصود از "سر" رهبر است) س- سردار جاف هم بود؟
ج- بله او هم آنجاست.
س- کی می روی عراق؟
ج- فردا صبح وقتی تو بیدار شوی، من رفته ام.

س- راستی ماهی چقدر حقوق می گیری؟
ج- ماهی ۱۲۰۰ تومان و هر چه هم گیرمان بیاید (غنایم و مال دزدی) مال خودمان است.
س- اسلحه سنگین هم دارید
ج- بله داریم. من خودم ۹ دانه تانک شرمدم که بالای همه آنها توپ بود. نمیدانی قیامت است.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



اقول امپریالیسم هر روز
شتاب بیشتری می‌گیرد

..... و

بقیماز صفحه ۴

به وحشت افتاده بود، برنامه همه‌جانبه‌ای را تحت عنوان برنامه "گوشتر پرو" در دستور کار سازمان سیا و اف‌بی‌آی قرار داد که به موجب آن با ایجاد نفاق در میان سازمان‌های سیاسی، کشتار رهبران مبارز، دستگیری‌های وسیع و ... می‌خواست مبارزات سیاهان را درهم بشکند. کارگزاران سرمایه انحصاری در اجرای این برنامه‌ها بسیاری از رهبران سیاه را به قتل رساندند و یا به زندان افکندند. قتل لوترکینگ فرداهمپتون و جرج جکسون از نمونه این جنایات است. کشاندن برخی جریان‌ها به مواضع رفرمیستی و انحراف مبارزه از مسیر درست و اصولی از جمله دیگر کارهای شبکه‌های جاسوسی سیا و اف‌بی‌آی بود و ضربات شدیدی بر مبارزات سیاهان وارد کرد اما آنها هرگز دست از مبارزه نکشیدند.

شورش اخیر سیاهان در دهه اخیر یکی از بسی سابقه‌ترین امواج مبارزاتی بود که آمریکا را در خود فرو برد اما عدم رهبری انقلابی و خودانگیخته بودن آن بطور مشهودی به چشم می‌خورد تحت این شرایط امپریالیسم آمریکا سعی دارد سرمایه‌داران "سیاه" و کارگزاران انحصارات را به عنوان رهبران سیاه معرفی نماید و مبارزات آنها را به کنترل خود درآورد. سفر آندروینگ برای فرو نشاندن خشم مردم از این نمونه توطئه‌ها است.

نیروهای انقلابی جهان که طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم را متحدین خود علیه امپریالیسم می‌دانند بی شک از خواسته‌های بحق سیاهان آمریکا دفاع می‌کنند و سیاست نژادپرستانه طبقه سرمایه‌دار آمریکا را قاطعانه محکوم می‌کنند. مبارزات سیاهان آمریکا یکبار دیگر ماهیت امپریالیسم آمریکا را بطور روشنی در انظار جهانیان قرار داد و سیاست حقوق بشر سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها در دفاع از "حقوق" جانیان و آوایشان امپریالیسم را رسواتر ساخت

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به :

یازدهمین گردهمایی شوراهای روستائی ترکمن صحرا

زحمتکشان مبارز ترکمن صحرا!
شوراهای روستائی قهرمان!

با درودهای آتشین، یازدهمین گردهمایی شوراهای روستائی ترکمن صحرا را که اولین گردهمایی پس از جنگ تحمیلی بهمن ماه گذشته است، به شما و به زحمتکشان سراسر ایران تبریک می‌گوئیم
زحمتکشان قهرمان ترکمن صحرا! اتحاد و یکپارچگی، تشکل شورائی و مبارزات قهرمانانه شما در راه مصادره انقلابی زمینهای زمین‌داران بزرگ نقطه درخشانی در تاریخ مبارزات خلق قهرمان کشور ماست.
تاکنون خون بسیاری از فرزندان انقلابی شما در جریان جنگ‌های تحمیلی بر زمین ریخته است اما اینک مردم ایران باردیگر شاهد اوج‌گیری مبارزات بحق شما علیه زمین‌داران بزرگ و وابستگان به رژیم گذشته است. شما با مقاومت بی‌گیر و تحمل مصائب بیشمار به خوبی نشان دادمايد که هیچ نیروئی قادر به مقابله با اراده خلقی متحد و یکپارچه نیست. بی شک قهرمانی‌هایتان برای خلقهای سراسر ایران درسهای گرانبهائی در بر دارد.
در شرایط حساس کنونی سازمان ما ضروری می‌داند بار دیگر به شما زحمتکشان و دهقانان آگاه و انقلابی ترکمن صحرا هشدار دهد که در فصل برداشت محصول،

زمین‌داران بزرگ و عوامل آنها به عناوین مختلف سعی در جنگ‌افروزی و ایجاد تشنج می‌نمایند تا به این طریق مبارزات شما را از مسیر سازنده خود منحرف نمایند. وظیفه شوراهای ترکمن صحراست که با تمام قوا جلوی هرگونه جنگ‌افروزی را بگیرند و با هوشیاری کامل امر برداشت محصول را متعقد نمایند.

اعتقاد ما براین است که در شرایط کنونی حفظ و حراست از محصول که ثمره مبارزه انقلابی و خونبار شماست، گام مهمی در جهت مبارزه با تحریم اقتصادی و تهاجمات نظامی امپریالیسم آمریکا این دشمن اصلی خلقهای میهن ماست و در خدمت تحکیم و تقویت وحدت ضد امپریالیستی همه خلقهای ایران قرار دارد.

با صمیمانه‌ترین درودها و آرزوی برداشت موفقیت‌آمیز اولین کشت شورائی دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا و با تأکید بر همبستگی مبارزاتی زحمتکشان همه ملیتها علیه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا!

درود بر شوراهای روستائی قهرمان ترکمن صحرا
مستحکم باد وحدت انقلابی خلقهای ایران
مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۹

پیام اتحادیه سراسری روستاهای ترکمن صحرا خطاب به همه زحمتکشان منطقه در مورد وظایف فصل برداشت محصول

زحمتکشان و دهقانان ترکمن صحرا!

در شرایط کنونی که حاصل دسترنج و زحمات ما و نتیجه کشت شورائی زمین‌های مصادره شده، آماده است و وضع محصول بسیار عالی است باید با هوشیاری و دقت و با اتحاد و تشکل به گرد شوراهای و با همکاری همه جانبه جهت برداشت محصول که در واقع متعلق به خلق قهرمان کشورمان بوده و توسط فرزندان مبارز و انقلابی آنان در ترکمن صحرا کاشت و برداشت می‌شود، بکوشیم به موارد زیر توجه کامل داشته باشیم:

۱- امپریالیسم آمریکا این دشمن اصلی خلق ما با توطئه و دسائس گوناگون از جمله تحریم اقتصادی سعی دارد مردم قهرمان میهن ما را تحت فشار قرار دهد. روی این اصل با تمام امکان و توان خویش باید کوشش نمائیم که محصول کشاورزی امسال بدون حیف و میل و ضایعات با دقت و مراقبت برداشت شده تا ما هم همراه زحمتکشان سراسر کشور مبارزه با امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا را بتوان ترسازیم.

۲- هرگونه درگیری، جنگ‌افروزی و ایجاد مزاحمت برای زحمتکشان و هرگونه تخریب در محصول شدیداً محکوم بوده و کار عوامل امپریالیسم و زمین‌داران بزرگ می‌باشد. از این رو باید هشیارانه جلوی تمامی توطئه‌ها را بگیریم و اجازه ندهیم که عوامل زمین‌داران بزرگ و امپریالیسم محیط را متشنج سازند و از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. برای این امر باید تمام جوانان روستاها تحت نظر شوراهای

روستائی به نگرانی و حفاظت از محصولات پرداخته و تا خاتمه درو هشیارانه از محصول حفاظت نمایند.

۳- تمام زحمتکشان و اعضای شوراهای و اتحادیه‌های روستائی باید با توجه به اتحاد همه زحمتکشان با ملیتها مختلف همراه و همگام با هم، ترک، فارس، زابلی، بلوچ و ترکمن دست در دست هم، متحد و یکپارچه با احترام به حقوق یکدیگر محصول خویش را برداشت نموده و اجازه ایجاد نفاق و چنددستگی در بین زحمتکشان را که به ضرر آنها و به نفع زمین‌داران بزرگ و امپریالیست است، ندهند.

۴- محصولات کاشته شده توسط شوراهای باید فقط و فقط توسط شوراهای روستائی جمع‌آوری گردیده و طبق ضوابط مورد تأیید مردم، هزینه‌های مربوط به کشت (وام، بذر، کود و ...) پرداخت و بقیه محصول با نظارت مردم روستا و شورا توزیع و بذر سال آینده کنار گذاشته شده و مازاد آن با نظارت زحمتکشان روستاها فروخته شود.

۵- شوراهای عضو هر اتحادیه با همکاری هم باید تمام امکانات درو را در اختیار یکدیگر قرار داده و با کمک صمیمانه اهالی روستاهای مجاور و با کوششی انقلابی، متحداً در برداشت محصول به یکدیگر یاری رسانند.

پیروز باد مبارزات زحمتکشان و دهقانان
ترکمن صحرا برای دستیابی به

صلح، زمین، آزادی

"اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا"

از مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا برای زمین و صلح پشتیبانی کنیم

صحرا:

نبرد ناپیروزی کامل

۲۵ اردیبهشت (۱۰ مه) مصادف است با سالروز تولد جبهه پولیساریو (جبهه خلق برای آزادی ساقی الحمرا و ریودواره). هشت سال پیش جبهه پولیساریو با اعلام موجودیت خود و دست زدن به نبرد مسلحانه توده‌های مبارزات خلق صحرا را وارد مرحله نوینی ساخت و تا کنون نتایج درخشانی در مبارزه این خلق برای کسب استقلال و آزادی به دست آورده است. با انگیزه سالروز تولد جبهه، با درود به رزمندگان جبهه پولیساریو و خلق صحرا، نظری بر مبارزات مردم صحرا می‌افکنیم:

مبارزات توده‌های صحراوی ابعاد گسترده‌ای یافت. کمیته‌های گوناگونی تشکیل یافتند و آموزش سیاسی توده‌ها به وسیله اعضای جبهه آغاز گردید. توده‌ها متشکل می‌شدند، مسائل اساسی انقلاب را فرا می‌گرفتند و با مواضع سیاسی جبهه آشنا می‌شدند.

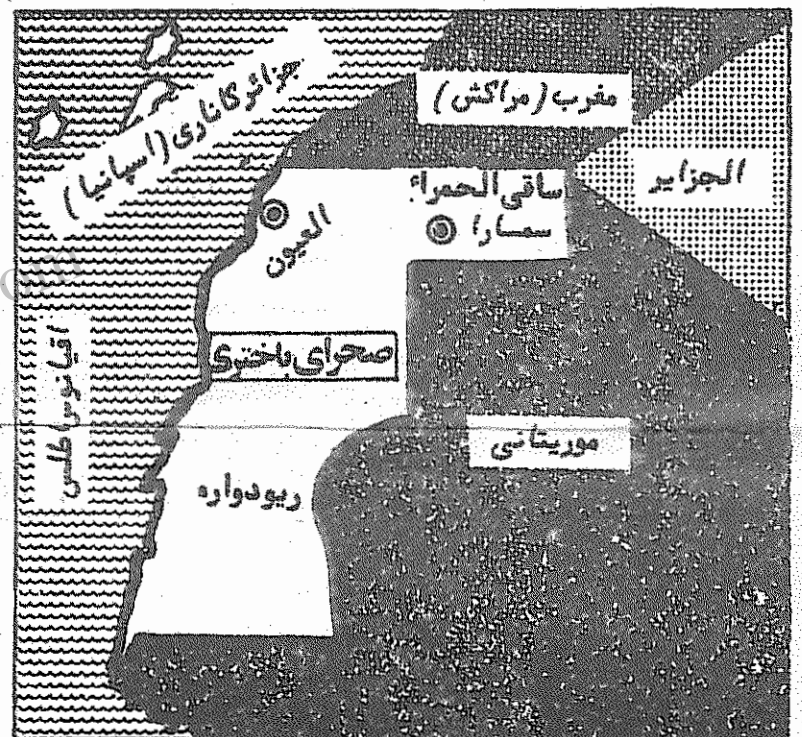
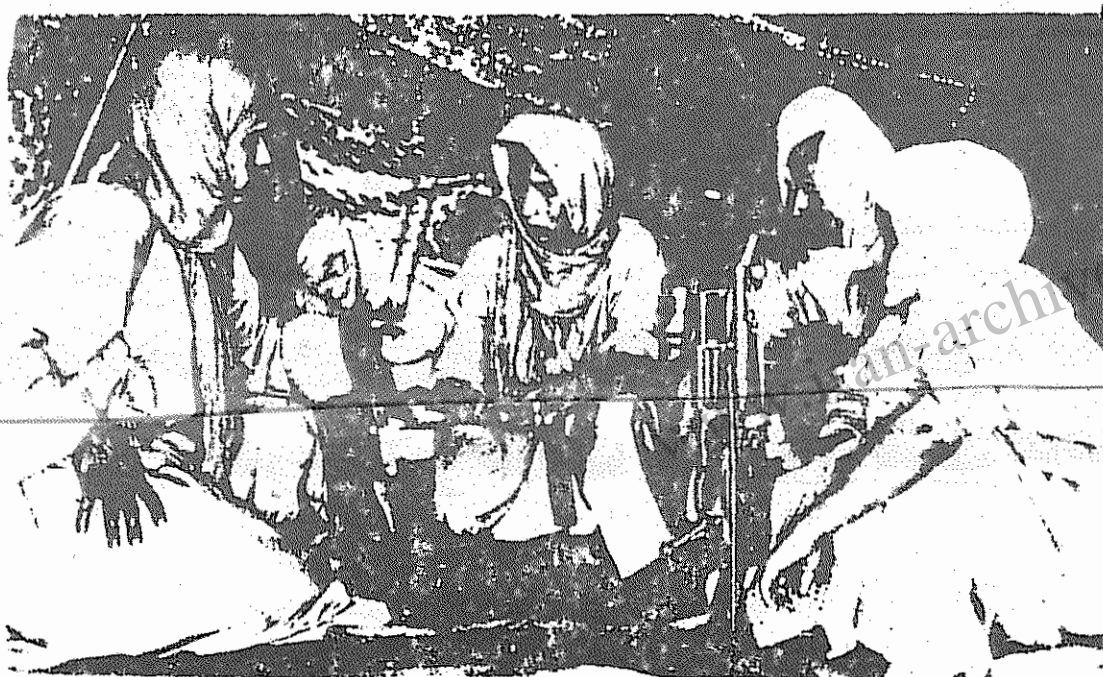
ده روز بعد از اعلام موجودیت رسمی جبهه، نبرد مسلحانه برای آزادی کامل صحرا آغاز گردید و با حمایت وسیع و شرکت توده‌های خلق ابعاد گسترده و سعی به خود گرفت و ضربات پی در پی خود را بر دشمنان انقلاب وارد نمود. مناطق مختلفی یکی پس از دیگری تحت کنترل جبهه در می‌آمدند و فضای تنفس استعمارگران هر

دیکتاتور اسپانیا که در پی گسترش استخراج منابع زیرزمینی صحرا بود، برای حفظ ذخایر ۴۵۰۰ پلیرا را که تقریباً برابر یک سوم نیروهای نظامی اسپانیا بود، به صحرا گسیل نماید.

در سال ۱۹۷۵ خلق صحرا در اعتراض به حضور اسپانیا در سرزمین خود و جهت دستیابی به استقلال، تظاهرات و اعتصابات گسترده‌ای به راه انداخت. در این مبارزات ۴۰ نفر از مردم صحرا در نبرد با ارتش متجاوز اسپانیا به شهادت رسیدند و عده زیادی دستگیر شدند. برخی از دستگیر شدگان در زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌های قرون وسطایی جان باختند. کارگران

صحرا از دویخش ساقیه الحمرا (رودخانه سرخ) و ریودواره یا به عربی وادی الذهب (دره طلا) تشکیل یافته است. تراکم جمعیت در منطقه کم می‌باشد و جمعیت آن بر اساس سرشماری جبهه پولیساریو نزدیک به ۷۵۰ هزار نفر است. صحرا همواره از دوزاویه مورد توجه استعمارگران و امپریالیستها بوده است: اولاً - در این سرزمین خشک و بیابانی منابع سرشار زیرزمینی و در رأس آنها فسفات به وفور یافت می‌شود. و ثانیاً سواحل وسیع صحرا در کنار اقیانوس اطلس به آن موقعیت ویژه‌ای بخشیده است.

استعمارگران اسپانیا اولین نیرویی بودند که در قرن ۱۴ میلادی به این کشور وارد شدند و از



روز تنگتر و تنگتر می‌شد. در نتیجه مبارزات دلاورانه خلق صحرا و گسترش ابعاد آن در منطقه و طرح خواستهای برحق مردم صحرا درجهان سرانجام در سال ۱۹۷۵ کمیسیونی از طرف سازمان ملل متحد به صحرا رفت. هیئت اعزامی حقانیت جبهه را مورد تأیید قرار داد اما اسپانیا حاضر نبود که به هیچ قیمتی صحرا را ترک نماید. در نوامبر همان سال موافقتنامه سه‌جانبه‌ای بین موریتانی، مراکش و اسپانیا با وساطت آمریکا امضاء گردید که به موجب آن صحرا بین این سه کشور تقسیم می‌گردید. در همین سال سلطان حسن پادشاه مراکش با فریب برخی از توده‌های مراکشی، راهپیمایی تحت عنوان "رژه سبز" به طرف صحرا ترتیب داد که هدف آن از یکطرف دستیابی به پوششی مناسب برای مداخله نظامی در صحرا و از طرف دیگر فشار وارد کردن به اسپانیا برای واگذاری صحرا به مراکش بود. این راهپیمایی مورد حمایت فعال امپریالیسم آمریکا قرار گرفت. دولت اسپانیا

صحرا که با تظاهرات اعلام همبستگی نموده بودند، از معادن اخراج شدند. افراد نظامی بومی که توسط اسپانیا مسلح شده بودند خلع سلاح گردیدند و با گسترش یافتن دامنه مبارزات جنبش خلق صحرا مرحله نوینی از حیات خود را آغاز نمود.

گسترش دامنه مبارزات خلق صحرا در سالهای ۷۳-۱۹۷۵ سرانجام به نقطه عطف تشکیل جبهه پولیساریو و آغاز نبرد مسلحانه رهایی بخش رسید. جبهه پولیساریو به وسیله کادرهای بالای جنبش که در نبرد با استعمارگران اسپانیا آبدیده شده بودند و برخی از آنها از اعضای سازمان "جنبش برای آزادی صحرا" (MLA) بودند، در سال ۱۹۷۳ پایه‌گذاری شد. جبهه در ۲۵ اردیبهشت (۱۰ مه) سال ۱۹۷۳ رسماً با شعار حق تعیین سرنوشت، استقلال صحرا و ساختمان یک سرزمین مستقل با زیربنای سوسیالیستی اعلام موجودیت نمود و به سرعت حمایت مردم صحرا را در سراسر کشور به خود جلب نمود. با تشکیل جبهه پولیساریو سازماندهی

آن به بعد متناوباً در آنجا به سر می‌بردند. در سال ۱۸۸۱ که استعمارگران برای گسترش مناطق تحت نفوذ خود کوشش می‌کردند. اسپانیا نیروهای خود را در صحرا پیاده کرد. سه سال بعد یعنی در سال ۱۸۸۴ کنفرانس برلین که برای رسمیت دادن به تقسیم جهان به مناطق تحت نفوذ استعمارگران تشکیل یافته قسمت شمالی صحرا را "متعلق" به اسپانیا دانست و سرانجام در سال ۱۹۲۵ پس از مذاکراتی که بین فرانسه و اسپانیا انجام شد، تمام خاک صحرا به اسپانیا واگذار گردید.

تا سال ۱۹۴۵ مبارزات پراکنده‌ای علیه نیروهای اسپانیا به وسیله مردم صحرا جریان داشت. اسپانیا در فاصله سالهای ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۹ به منابع سرشاری از پتاسیم، مس، آهن و مهمتر از همه فسفات دست یافت. استخراج فسفات در این سالها آغاز گردید که علاوه بر اسپانیا، آلمان، آمریکا و فرانسه بطور مستقیم و غیر مستقیم سهمی از آن را دریافت می‌کردند. اوج‌گیری مبارزات خلقهای ستمدیده آفریقا برای رسیدن به آزادی و استقلال باعث شد که فرانکو

بقیه در صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا



صحرا:

نبرد تا پیروزی...

بقیه از صفحه ۸

سرنجام در مقابل مراکش و موریتانی (که از سوی آمریکا و فرانسه حمایت می شدند) عقب نشینست و صحرا را ترک نمود. صحرای استعمارزده به مراکش و موریتانی سپرده شد و از آن پس ارتشهای مراکش و موریتانی به کمک فانتوم های امریکائی و جاگوارهای فرانسوی صحرا را مورد یورش قرار دادند تا مردم صحرا را وادار به تسلیم نمایند. اما خلق صحرا مبارزات خود را تحت رهبری جبهه پولیساریو همچنان ادامه داد و سرنجام در سال ۱۹۷۶ هنگامی که جنبش موقعیت برتری نسبت به دشمن کسب نموده و کنترل مناطق بسیاری را در دست داشت، خلق صحرا و جبهه، تشکیل جمهوری دمکراتیک عربی صحرا را اعلام نمودند.

در این سال کنگره سوم جبهه برگزار گردید و جبهه موظف گردید راه را برای استقرار و تداوم نظام جمهوری دمکراتیک و تحقق سوسیالیسم هموار نماید. در قطعنامه این کنگره هدف خلق صحرا مبارزه خستگی ناپذیر علیه امپریالیسم و محو استثمار اعلام گردیده و به مسائلی از قبیل: توزیع عادلانه درآمدهای کشور، پایان دادن به بهره کشی به هر شکل، مسکن برای همه، بهداشت رایگان برای همه و... اشاره شده است.

اداره مبارزات خلق صحرا و گسترش جنگ فرسایشی تأثیرات عظیمی در شدت یافتن بحران و ناراضیتهای در کشورهای موریتانی و مراکش برجای گذاشت. در سال ۱۹۷۸ در موریتانی یک کودتا به وقوع پیوست و متعاقب آن جبهه پولیساریو با توجه به موقعیت دولت موریتانی و تحلیل آن به این دولت اعلام آتش بس داد و موریتانی با آن موافقت نمود. به زودی سربازان موریتانی جبهه جنگ را ترک کردند و مبارزات خلق صحرا به رهبری جبهه علیه نیروهای مراکش گسترش یافت. با وجود آنکه مراکش بیش از ۴۰ هزار سرباز به صحرا گسیل داشته و علیرغم آنکه ۴۰ درصد بودجه ملی این کشور صرف نیروهای نظامی و با بهتر بگوئیم صرف مخارج سرکوب خلق صحرا می گردد رزمندگان جبهه توانسته اند همچنان کنترل قسمت اعظم خاک صحرا را در اختیار خود گیرند و به موفقیت های شایان توجهی نیز نایل آیند.

مبارزات مردم صحرا یکبار دیگر ماهیت امپریالیستی را به وضوح در مقابل مردم سراسر جهان نشان می دهد. همکاری، کمک و توطئه چینی مشترک امپریالیستهای اروپائی و آمریکا علیه خلق دلاور صحرا یکبار دیگر نشان می دهد که امپریالیستها همگی دشمنان خلقها هستند و بین آنها ماهیتا تفاوتی وجود ندارد و اختلافات آنها در سرکوب مبارزات خلقها به اتحادی ریشه ای بدل می شود. آن کسانی که تبلیغ می کنند که برای مبارزه با آمریکا

می توان به امپریالیستهای اروپا و ژاپن متکی شد یا کودن هستند و این مسئله را درک نمی کنند و یا آگاهانه می خواهند دست امپریالیسم آمریکا را از آستین یاران اروپائی و ژاپنی اش در غارت و استثمار مردم ما باز بگذارند ما در بالا به اتحاد و تبانی و توطئه گیری های امپریالیسم آمریکا، فرانسه و... علیه مبارزات خلق صحرا اشاره کردیم. نکات زیر ابعاد دیگری از مسئله را روشن می کند.

امپریالیسم آمریکا سالهاست که از طریق نوکر دست نشانده خود سلطان حسن و قرار دادن سلاح و مهمات در اختیار او در سرکوب خلق صحرا شرکت می کند و سعی دارد سلطان حسن را به شاهی برای منطقه تبدیل نماید. علیرغم آنکه برای حفظ ظاهر موافقتنامه ای هم امضا کرده اند که طبق آن استفاده از سلاحهای امریکائی در جنگ با رزمندگان صحرا "منوع" اعلام شده است، اما نیازی به توضیح ندارد که از اینگونه "موافقت" ها برای تحمیل افکار عمومی بارها امضا شده است. مطابق آمار رسمی دولت آمریکا به پیشنهاد کارتر فروش اسلحه به مراکش از ۵۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۹ به ۱۵۵ میلیون دلار در سال جاری خواهد رسید.

از جانب دیگر امپریالیسم فرانسه سالها سازماندهی نظامی ارتش مراکش را برعهده داشته است و علاوه بر غارت و استثمار خلق ستمدیده و زحمتکش مراکش بیشترین تسلیحات را برای سرکوب مبارزات مردم صحرا در اختیار دولت مراکش قرار داده است. در عین حال امپریالیستها سعی داشته اند از طریق سایر دست نشانندگان خود در منطقه چون پادشاه عربستان، اردن و در گذشته از طریق رژیم شاه به کمک رژیم وابسته و ارتش مراکش بشتابند. امپریالیستها در مقابل خلقها متحدند و خلقهای جهان نیز در مقابل امپریالیستها چاره ای جز اتحاد ندارند.

امروز خلق صحرا بیش از پیش به پیروزی نزدیک می شود. مردم صحرا تحت رهبری جبهه پولیساریو برآنند که بوزه متجاوزان را بر خاک مالند و درفش آزادی و استقلال را در سرزمین خود به اهتزاز درآورند. امروز مردم صحرا برآنند که یکبار دیگر این حکم تاریخی را که خلق و فقط خلق است که تاریخ را می سازد به اثبات رسانند و امروز جمهوری دمکراتیک عربی صحرا که از جانب قریب ۳۴ کشور و منجمله عده ای از کشورهای سوسیالیستی به رسمیت شناخته می شود، در پی آن است که با به کف آوردن آزادی و استقلال به هدف اصلی خود که "یک جامعه سوسیالیستی با شرکت توده های تحت ستم است" دست یازد.

پیروزی از آن خلقهاست

کارگران با هوشیاری، تلاش اداره کار را

برای متلاشی ساختن شورا ختنی ساختند

چندی پیش بخشنامه ای از طرف اداره کار اراک در تابلوی اعلانات کارخانه هیگو نصب شد که در آن از کارگران دعوت شده بود که نماینده شان را جهت معرفی به اداره کار انتخاب کنند. اداره کار با وجود آنکه اطلاع داشت که کارگران هیگو دارای شورا هستند و نمایندگان شان را نیز خودشان انتخاب کرده اند و تنها این شورا را نماینده واقعی خود می شناسند، علیرغم آن با صدور این بخشنامه عملاً سعی نمود تا هیچگونه رسمیتی برای این شورا قائل نشده و شورا را نماینده رسمی کارگران ندانند. این بخشنامه که تاریخ ۵۹/۲/۱۷ را برای تجمع کارگران و بحث جهت انتخاب نماینده تعیین کرده بود، مورد استقبال اکثریت کارگران قرار نگرفت و آن عده از کارگران نیز که در جلسه حاضر شده بودند، طی گفتگویی با نماینده اداره کار ضمن اعلام پشتیبانی شان از شورا و نمایندگان شان سیاست های ضد شورائی اداره کار را افشاء نموده و بخشنامه اداره کار را مردود دانستند. در اینجا قسمتی از گفتگوهای را که در این جلسه بین کارگران و نماینده اداره کار صورت گرفت، می آوریم. این گفتگو قبل از هر چیز نمایانگر دفاع آگاهانه کارگران از شورایشان است در مقابل توطئه هایی که از بالا جهت از هم پاشاندن اینگونه تشکلهای در جریان است. یکی از کارگران گفت:

" ما می دانیم که انتخاب نماینده برای معرفی به اداره کار مساویست با نابودی شورا"

کارگران در اعتراض به این قبیل اقداماتی که وزارت کار در مقابل کارگران می کند، از نماینده اداره کار سؤال می کردند که:

" چرا اداره کار تلاش می کند شورا را به عنوان نماینده کارگران به رسمیت نشناسد؟ معلوم می شود که دولت اراده و خواست کارگران را که طی انقلاب تجلی کرده، یعنی شورا را نادیده می گیرد و سعی می کند در برابرش کارشکنی کند. ما اینطور می فهمیم که دولت با این اعمال خودش می خواهد به کارگران بفهماند که باید دست از شورا بردارند و اینقدر شورا شورا نکنند..."

نماینده اداره کار که در مقابل اعتراضات منطقی کارگران درمانده بود، گفت:

" ما طبق قوانین موجود رفتار می کنیم. قوانین موجود اجازه چنین کاری را نمی دهد."

کارگران گفتند:

" یکسال و سه ماه است از سرنگونی شاه می گذرد ولی هنوز که هنوز است وزارت کار کشورمان با ما طبق قوانین رژیم گذشته رفتار می کند."

یکی از کارگران گفت:

" شوراها برای این تشکیل شدند که زیر بار قوانین گذشته نروند. پس انقلاب برای چه شد؟"

در پایان کارگران به نماینده اداره کار گفتند:

" ما به نماینده ای که شما می خواهید، احتیاج نداریم. ما شورا داریم و نماینده جدید نمی خواهیم"

و بدین ترتیب تلاش اداره کار علیه شورا و تشکل کارگران در برابر هشیاری و اتحاد یکپارچه کارگران با شکست مواجه شد.

بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

افزایش سطح حداقل دستمزدها یا

کاهش قدرت خرید واقعی کارگران

اخیرا وزارت کار طرح جدید افزایش حداقل دستمزد کارگران را به تصویب رسانده که بر اساس آن سطح حداقل دستمزد کارگران از ۵۶۷ ریال به ۶۳۵ (یعنی ۶۸ ریال یا ۱۲٪ در سال) افزایش یافته است. مطابق قوانین کار بطور کلی باید هر سال سطح حداقل دستمزدها متناسب با تغییر سطح هزینه‌های زندگی مورد تجدید نظر قرار گیرد. افزایش سالانه ۱۲٪ دستمزد کارگران نیز در این رابطه است. در اینجا لازم می‌دانیم به چند نکته درباره این افزایش سطح حداقل دستمزد و همچنین ضوابط و معیارهای محاسبه آن و تاثیری که در قدرت خرید کارگران به جای گذاشته و می‌گذارد، اشاره کنیم:

۱- معمولا آنچه که در تعیین سطح حداقل دستمزدها بیش از هر چیز اهمیت دارد، محاسبه و تعیین یک پایه دستمزدها متناسب با شاخص‌های واقعی هزینه زندگی است و این امر مستلزم آن است که تناسبی بین ارزش کاری که کارگر عرضه می‌کند با مزدی که دریافت می‌دارد وجود داشته باشد (که این تناسب در جامعه سرمایه‌داری اساسا موجود نیست) در این رابطه چنانچه هزینه‌های عمومی و حداقل دستمزد متناسب با یکدیگر تعیین شوند دیگر مسئله "مزایا" و "کمک هزینه‌ها" و "سود ویژه" و نظایر آن مفهومی پیدا نمی‌کند چون همه این به اصطلاح مزایا در واقع خود جزئی از مزد کارگران است که به آنها پرداخت نشده و سرمایه‌دار سعی می‌کند آن را به عنوان یک پرداختی اضافی (به کارگران) جلوه دهد. از این رو کارگران باید اساس مبارزه اقتصادی برای افزایش سطح دستمزدها را نه بر مبنای افزایش "مزایا" بلکه بر مبنای افزایش پایه واقعی دستمزدها و حذف به اصطلاح مزایا قرار دهند و این امر البته در کوتاه مدت عملی

نیست. از طرفی بدون افزایش واقعی سطح حداقل دستمزدها نمی‌شود از حذف "مزایا" (در حال حاضر) سخن گفت. آنچه که در طرح تصویب شده وزارت کار در مورد افزایش سطح دستمزدها آمده است کاهش برخی از "مزایا"ست بدون آنکه در مقابل آن سطح دستمزدها بطور واقعی افزایش یافته باشد! مثلا هزینه مسکن در برخی واحدها تا حداکثر ۶۰۰ تومان به کارگران پرداخت می‌شد (معمولا بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ تومان) ولی بر اساس طرح مصوبه جدید حداکثر هزینه مسکن ۴۰۰ تومان تعیین شده است و اینگونه کاهش میزان "مزایای" کارگری بدون افزایش واقعی حقوق به نفع سرمایه‌دار و به زیان کارگران است.

۲- افزایش هزینه زندگی طی یکسال گذشته با افزایش (۶۸ ریال) دستمزد کارگران هیچگونه تناسبی ندارد و قابل مقایسه نیست. گرانی سرسام آور اجناس مصرفی و مایحتاج زحمتکشان (گوشت، نان، روغن، تخم مرغ و...) نشان می‌دهد که نه تنها دستمزد کارگران نسبت به سال گذشته افزایش نیافته بلکه شدیداً تقلیل یافته است. گزارش بانک مرکزی حاکی از آن است که در اسفند ماه گذشته مواد خوراکی حداقل ۴۲٪ افزایش قیمت داشته است و همچنین در مورد برخی از کالاها این افزایش قیمت‌ها تا ۱۰۰٪ بوده است حال آنکه سطح دستمزد کارگران طی یکسال اخیر تنها ۱۲٪ افزایش یافته است. با یک محاسبه ساده روشن می‌شود که سطح واقعی حقوق کارگران (قدرت خریدشان) طی یکسال گذشته بیش از ۳۰٪ کاهش یافته است. وزارت کار این کاهش قدرت خرید تصویب می‌رساند که محدودیت برای حداکثر حقوق مدیران و کارمندان عالی‌رتبه که ۲۵ هزار تومان بود) برداشته می‌شود و

اختلاف درآمدها (بین کارگران و مدیران) افزایش می‌یابد. این اختلاف قدرت خرید در مقیاس وسیع تری بین زحمتکشان و سرمایه‌داران (که طی یکسال گذشته متجاوز از ۵۰٪ به قیمت کالاهایشان افزوده‌اند) گسترش یافته است. ۳- ضوابطی که وزارت کار برای تعیین سطح حداقل

کارگران ۲۴٪ کمتر از سال قبل باید محاسبه گردد" این چنین استدلالاتی ملاک تعیین حداقل مزد کارگران قرار گرفته است این به اصطلاح کارشناسان بخشنامه‌های دولتی و دستورالعمل‌هایی را که در برخی موارد تنها روی کاغذ هم باقی مانده‌اند، مبنای تعیین هزینه‌ها قرار می‌دهند

گرانی سرسام آور اجناس مصرفی و مایحتاج زحمتکشان (گوشت، نان، روغن، تخم مرغ و...) به معنی آن است که دستمزد واقعی کارگران شدیداً تقلیل یافته است.

کارگران باید اساس مبارزه اقتصادی برای افزایش سطح دستمزدها را نه بر مبنای افزایش "مزایا" بلکه بر مبنای افزایش پایه واقعی دستمزدها قرار دهند.

دستمزدها در نظر گرفته است مبنی بر ساختن و پرداخته‌های ذهنی همان "کارشناسی" است که طرح‌های ضد کارگری از قبیل طرح قانون تامین اجتماعی و طرح طبقه‌بندی مشاغل و... را نوشته‌اند. کارشناسان وزارت کار هنگام تعیین میزان حق مسکن کارگران اعلام کردند که "چون دولت در پانز سال گذشته دستور داده اجاره مسکن ۲۰٪ کاهش یابد و از آنجا که دولت بهای آب و برق را متحد نصاب مبنی (مصرف ۱۰ متر مکعب آب در ماه) دریافت نمی‌کند، پس در سال آینده حق مسکن

افراد یک خانوار کارگری را حداکثر ۴ نفر محاسبه کرده، حال آنکه کارگران اغلب خانواده‌های پر اولادی دارند و علاوه بر آن معمولا از افراد پیر و از کارافتاده خانواده (پدر و مادر و...) نیز نگهداری می‌کنند. هزینه‌های "کارشناسان" برای اجاره مسکن یک خانوار کاری تعیین کرده‌اند بر اساس تخمین‌های ذهنی و غیر واقعی است. مثلا هزینه مسکن (دو اتاق با یک آشپزخانه) ماهیانه ۴۵۰ تومان محاسبه و تعیین شده است و همین محاسبات و تخمینات در مورد هزینه‌های مربوط به مواد خوراکی و پوشاک (گوشت و برنج و لباس و...) نیز آمده است که نشان می‌دهد وزارت کار نه تنها با مشکلات موجود زندگی کارگران بیگانه است بلکه از آن مهم‌تر رسالتی جز رنگ و لعاب دادن همان ضوابط ضد کارگری گذشته را در مورد کارگران برای خود نمی‌شناسد. ۴- تعیین سطح حداقل دستمزد کارگران همانند طرح طبقه‌بندی مشاغل، طرح قانون تامین اجتماعی و قانون کار و... مادامی که در اطاقهای در بسته و دور از چشم تشکیلات کارگری و نمایندگان آگاه آن طرح و تصویب می‌شود، نمی‌تواند چیزی بیش از این باشد! شرکت فعالانه تشکیلات کارگری در امر طرح و تدوین قوانین و مقررات مربوط به کارگران در این زمینه تنها رهشگای انقلابی و موثر خواهد بود. نمایندگان آگاه و واقعی تشکیلات کارگری در رابطه با تعیین سطح حداقل دستمزدها اولاً همواره خواهان مبارزه انقلابی با گرانی، کمیابی و تورم روز افزون بوده و هستند و ثانیاً در شرایط توری می‌وجود برای مقابله با کاهش قدرت خرید ناگزیر بر افزایش سطح دستمزدها متناسب با نرخ روز افزون تورم کالاها می‌مورد نیاز عامه تاکید داشته و دارند.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



اعتیاد زائیده نظام طبقاتی است

نرمولات فنی شهرهای مینهان مردمی را می بینیم که در اثر اعتیاد به مواد مخدر توان فکری و جسمی شان را از دست داده و نریبترین وضعیت اجتماعی به سر می برند. اینها اکثراً زحمتکشانی هستند که قربانی مطامح و آزمندی های طبقه سرمایه دار ایران و امپریالیسم جهانی شده اند. اعتیاد در محلات آهوان نشین شهر نیز به گونه ای دیگر وجود دارد. ثروتمندان که از سر فتنه نجات می شوند، غالباً موادی مثل ال-اس-دی و هروئین مصرف می کنند اما چون همراه مصرف این مواد بهترین و طوری ترین غذاها را نیز می خورند و در شرایط بسیار خوبی از نظر رفاهی زندگی می کنند، لذا توان جسمی شان دورتر از معاندان فنی تحلیل می رود.

از تولید و توزیع مواد مخدر حمایت می کنند بلکه خود در این زمینه سرمایه گذاری می نمایند از جمله در داخل مینهان ترپار شاه و خانوادهاش در راس شبکه های قاچاق قرار داشتند. فلانمرضا و اثری بهتری بزرگترین قمارخانه ها را در ایران دایر کرده بودند و بزرگترین شبکه های قاچاق و نعتاً متعلق به آنها بود. آنان در محدود و اینگونه سرمایه - گذاری های خود همالکی ها شان رقابتی

خواست و اندام شخصی است نه اجتماعی. پرواضح است که شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه است که شخصیت افراد آن جامعه را شکل می دهد. اعتیاد مثل هر عادت مسموم دیگری اجتماعی است نه فیزی و به این جهت هم هست که می تواند با نابود شدن علت به وجود آوردنداش یعنی نظام طبقاتی و مناسبات سرمایه داری از بین برود. بطول یک معتاد که می گشت: اگر هروئین در دنیا وجود نداشته باشد و

در چنین جوامعی حتی کمبود امکانات بهداشتی و درمانی زمینه های است بر اعتیاد. نمونه های زیادی از معتادین وجود دارند که در اثر گرفتاری به دردهای مزمن و علاج ناپذیر دردهایشان در اثر کمبود پزشک، دارو و امکانات پزشکی، جهت تسکین، به مواد مخدر روی آورده و به تدریج درجه اعتیادشان بالا می رود. امپریالیسم تمام آنچه که

رفتن کامل اعتیاد را مشروط به نابودی نظام سرمایه داری و از میان برداشته شدن جامعه طبقاتی می دانیم. معتقدیم که در شرایط کنونی جامعه مان نیز که مناسبات سرمایه داری از بین نرفته است باید راههایی برای پیشگیری از اشاعه و گسترش اعتیاد و تولید مواد مخدر به کار بست حاکمیت کنونی با وجود تلاشی که برای محدود کردن دامنه اعتیاد و قاچاق مواد مخدر دارد، به دلیل نداشتن برنامه ای اصولی و علمی در مبارزه با اعتیاد نتوانسته است کار چندانی از پیش ببرد. هم اکنون هر گرم هروئین از ۱۲۰ تومان به ۲۰ تومان تقلیل یافته است و این در شرایطی است که قیمت نان و سایر نیازمندی های اولیه زندگی چندبرابر گران تر شده است. باند های مسلح قاچاق همچنان به خرید و فروش مواد مخدر مشغولند و باند های سیاه با این شبکه ها

در عصر امپریالیسم تمام آنچه که انسانها را به تباهی می کشاند، در وجود مناسبات تولیدی سرمایه داری، وجود طبقات، وجود بهره کشی و سوداندوزی عمدهای خلاصه می شود و به همین دلیل هم راه حل اساسی اعتیاد و سایر اشکال انحطاط و تباهی، نابودی چنین سیستمی و جایگزینی سیستمی به جای آن است که در آن اثری از طبقات، بهره کشی و سوداندوزی نباشد.

این روزها رادیو - تلویزیون و مطبوعات در مورد اعتیاد و اثرات مخرب آن بسیار سخن گفتند اما از علت اصلی اعتیاد که یک بیماری اجتماعی زائیده نظام طبقاتی است، نگرانی بهمان نیل نداشتند. مثلاً نمی گویند که چگونه ریشه اعتیاد به نظام سرمایه داری برمی گردد که توان همگی بر مدار سود اندوزی است این بیماری اجتماعی در جامعه سرمایه داری و بخصوص در عصر امپریالیسم به اوج خود می رسد. در عصر امپریالیسم انحصارات بزرگ صنعتی و مالی در رشته تولید مواد مخدر سرمایه گذاری می کنند و با به وجود آوردن شبکه های بین المللی تولید و توزیع و قاچاق مواد مخدر، دامنه سوداندوزی خود را گسترش می دهند. مثلاً یکی از این شبکه ها است که توسط سرمایه داری بزرگ امپریالیستی به وجود آمد و اینگتنت کنترل سیاسی آمریکا به ضلالتی جهانی در زمینه تولید و قاچاق مواد مخدر مشغول است. دولت ها و حکومت های کشورهای امپریالیستی و کشورهای وابسته به امپریالیسم نه تنها

چون آسا داشتند و در این رابطه حکم اعدام چند تن از رقبای خود را نیز صادر کرده بودند. امپریالیستها، سرمایه داران، مالکان و زمین داران بزرگ که در تولید و مواد مخدر سرمایه گذاری های کلانی می کنند، برای جلب بازار مصرف، تبلیغات مسمومی را شروع می نمایند. خیل بیگاران را به دافره تولید، توزیع و مصرف گالای جهانی خود می کشند و باین ترتیب نیروی مغربی از ارتوی کار و زحمت را از دافره تولید صنعت و سازندگی اجتماعی خارج کرده و در شبکه های پیچیده قاچاق و مصرف مواد مخدر، انسانهای مهالندیده و از هستی فنی فکری را به وجود می آورند که جسم زندگی از انحطاط فانی از مناسبات سرمایه داری حاکم بر جامعه هستند. علنی این زمینه بانی که قابل اصلی اعتیاد است، عامل فنی و فرهنگی نیز در کشیده شدن نیروهای اجتماعی به سمت این بیماری اجتماعی موثر است. تاکنون بلندگوهای امپریالیسم و سرمایه داری اینگونه تبلیغ کرده اند که اعتیاد یک میل باطنی و یک

کسانی نباشند که آن را بسازند و بفروشند، من چرا معتاد می شوم؟ فشارهای عصبی و روانی ای که در جوامع سرمایه داری بر افراد وارد می آید، زمینه را برای اعتیاد فراهم می کنند. انسانها در چنین جوامعی می خواهند بار سنگین مشکلات روزانه را دمی به فراموشی بپسارند و از این رو به دام اعتیاد می افتند. از طرف دیگر بخشی از زحمتکشانی که دائم در معرض خطر بیکاری، بی پولی و عدم امکان تأمین معاش اولیه خود قرار دارند، برای گذران زندگی به ناگزیر به قاچاق مواد مخدر روی می آورند. ما بعد از اصلاحات ارضی و روی آوردن روستائیان به شهرها برای کار، شاهد گسترش قاچاق بودیم و تاکنون هر روز دامنه آن وسیع تر شده است. آموزش های فرهنگ صنعت سرمایه داری نیز افراد جامعه را در جهت تباهی و فساد سوق می دهد. طبقه سرمایه دار ایران با اشاعه فرهنگ و هنر مسموم کننده، خلافت نیروهای اجتماعی را در جهت های انحرافی به کار می گیرد. به این ترتیب تمام امکانات تباهی نیروها و استعدادها آماده می شود.

انسانها را به تباهی می کشاند در وجود مناسبات تولیدی سرمایه داری، وجود طبقات، وجود بهره کشی و سوداندوزی عمدهای خلاصه می شود و به همین دلیل هم راه حل اساسی اعتیاد و سایر اشکال انحطاط و تباهی، نابودی چنین سیستمی و جایگزینی سیستمی به جای آن است که در آن اثری از طبقات، بهره کشی و سود اندوزی نباشد. در چنین جوامعی همگی در جهت رشد توانایی ها و استعداد های انسانی و تری و تعالی جامعه به کار گرفته خواهد شد. مواد مخدر در چنین نظامی به عنوان مواد زائد از دافره تولید خارج و فقط در محدوده صنایع دارویی به کار گرفته خواهد شد. بندهای نظامی که چنین وابستگی را منطقی خواهد کرد، سرمایه ایسم است. نمونه ای از آن را در کوبا و چین می بینیم. کمربند گوناگون این کشورها بعد از انقلاب و برقراری حاکمیت و سیستم جدید توانستند با برنامه ریزی اصولی و علمی اعتیاد و نعتاً را که قبل از انقلاب در این کشورها بیداد می کرد از بین ببرند. ما در همین حال که از بین

انفراد باندهای سیاه خود غالباً از همین قاچاقچی ها هستند. حاکمیت جهت مبارزه با فساد، قلعه - محله به نام تهران - را برچید و بیسی چون نتوانست برنامه آموزشی و فرهنگی درستی ارائه دهد عملاً موجب شد که بیماری های اجتماعی درون "قلعه" به سطح شهر کشیده شوند. با اعلام ممنوعیت گشت خشناس و جایگزین نگردن کار در زمینه کشاورزی برای آن دسته از کشاورزانی که از یاد گشت خشناس ایران خاش می گردند، نه تنها نتوانسته است مانع گشت خشناس شود بلکه در مواردی از جمله در روستاهای ایران زمین حتی با بلایوت و مابله مسلمانان روستائیان روبرو شده است. بیکاری حادی که اینک در مینهان وجود دارد عامل بسیار مهم دیگری است در رواج بازار قاچاق و مصرف مواد مخدر و علاوه بر اینها اقدامات حاکمیت در زمینه ترک

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

الجزایر

هجده سال پس از پیروزی بر امپریالیسم فرانسه

نهم خرداد (سی ام ماه مه) سالگرد آغاز جنبش رهاشبخش در الجزایر است. (۱۹۵۴) نهضتی که ۸ سال به طول انجامید و با شهادت یک میلیون نفر از فرزندان قهرمان خلق سلطه صدساله امپریالیسم فرانسه بر الجزایر را پایان بخشید. حاصل سلطه استعمارگران بر الجزایر، فقر روز افزون دهقانان، بیسوادی بیش از ۹۰٪ مردم، بیکاری وسیع و رواج فحشا و اعتیاد بود. انقلاب الجزایر با کسب استقلال سیاسی، بعد از ویتنام ضربه دیگری بر پیکر امپراطوری استعماری فرانسه وارد ساخت.

رهبری انقلاب الجزایر را "جبهه آزادیبخش ملی" بر عهده داشت. ستون فقرات این جبهه از نمایندگان سیاسی خرده بورژوازی شهری و دهقانان تشکیل شده بود. اما در جبهه عناصر سازشکار (که متمایل به سازش با استعمارگران و فئودالها بودند) از یکطرف و عناصری با تمایلات رادیکال سوسیالیستی از طرف دیگر قرار داشتند "جبهه آزادیبخش ملی" هدف اصلی خود را رهایی الجزایر از زیر سلطه استعمارگران و نیل به استقلال سیاسی و اقتصادی اعلام کرده بود اما رهبران جبهه دیدگاه شخصی در مورد نظامی که میباید جایگزین نظام فئودالی استعماری می شد، نداشتند. آنها با ابهام از "سوسیالیسم الجزایری" یا "سوسیالیسم ویژه" سخن می گفتند ولی هیچ تصویر مدونی از محتوای آن نداشتند.

پس از پیروزی انقلاب بر استعمارگران فرانسوی (در سال ۱۹۶۲) ، بن بلا که یکی از بنیانگذاران جبهه بود، در رأس جمهوری قرار گرفت. در دوره حکومت بن بلا که مدت سه سال به طول انجامید، زمینهایی که پس از فرار فرانسویان متروک مانده بود به اشغال دهقانان درآمد و دولت برای اینکه هم بهبودی در وضع دهقانان حاصل شود و هم از مهاجرت روستائیان به شهرها که بر میزان بیکاری و مشکلات دیگر می افزود، جلوگیری شود، با صدور لایحه‌ای بر تصرف زمینهای متروکه صحنه گذاشت. در نتیجه ۲/۴ میلیون هکتار از ۷/۲ میلیون هکتار زمین قابل کشت الجزایر ملی شده و به صورت ۲۰۰۰ واحد بزرگ کشاورزی دولتی در اختیار دهقانان بی زمین قرار گرفت و برای کارگران این واحدها که بالغ بر ۱۷۰ هزار نفر می شد از طرف دولت حداقل دستمزد تعیین شد.

انقلاب دمکراتیک ملی در الجزایر که موفق به برانداختن سلطه سیاسی استعمار فرانسه و کسب استقلال سیاسی شده بود، بعنوان قدم بعدی در تعمیق انقلاب میباید فئودالیسم را که سد راه رشد و تکامل جامعه شده بود و پایگاهی برای امپریالیسم به شمار می رفت، ریشه کن کند و در راه استقلال اقتصادی حرکت کند. اما اکثریت غالب رهبران جبهه و از جمله بن بلا و سپس بومدین به علت موضع گیری طبقاتیشان واقعیت عینی وجود طبقات و مبارزه طبقاتی در جامعه را نادیده می گرفتند و معتقد بودند که ملت بطور واحد می تواند جامعه را از سلطه اقتصادی امپریالیسم رها سازد و به جلو سوق دهد. به همین خاطر بود که آنها از برخورد با فئودالها امتناع ورزیدند و دست آنها را در فعالیت علیه انقلابیون راستین باز گذاشتند و این کار به تقویت سازشکاران هم درجبهه و هم در دولت منجر شد.

نیروهای سیاسی دیگری که پس از کسب استقلال سیاسی همچنان در صحنه سیاسی الجزایر فعال بودند یعنی " حزب سوسیالیست انقلابی " و " جبهه نیروهای سوسیالیست " که توسط بعضی از رهبران و اعضای سابق "جبهه آزادیبخش ملی" تشکیل شده بودند، هیچکدام دارای برنامه منسجم نبوده و قادر نبودند سیاستی اصولی مبتنی بر مارکسیسم - لنینیسم دنبال نمایند. " حزب سوسیالیست انقلابی " که خود پایگاه توده‌ای چندانی نداشت به نیروی دهقانان در انقلاب کم بها می داد و بدون در نظر گرفتن شرایط مشخص کشور، مرحله انقلاب را سوسیالیستی ارزیابی می کرد و جبهه نیروهای سوسیالیست نیز اصرار داشت که تاکتیکهای انقلاب چین را در الجزایر کلیشه نماید. بدین خاطر هیچکدام از این احزاب در دوران بعد از کسب استقلال سیاسی نتوانستند نقشی در پیشبرد انقلاب بر عهده گیرند.

در فاصله سه ساله بعد از انقلاب به علت عدم برنامه مشخص و رشد ناراضی در بین توده‌ها، برخی ناآرامی‌های کارگری و دهقانی کشور را دربرگرفت و در این موقع بود که بومدین که دزاس قویترین جناح جبهه و ارتش

آزادیبخش ملی قرار داشت) تحت عنوان پایان دادن به ناآرامی‌ها و جلوگیری از سرگرفتن اتحاد بن بلا با "جبهه نیروهای سوسیالیست" و رادیکالیزه شدن وی دست به کودتا زد و قدرت را به دست گرفت.

بومدین نیز همانند بن بلا از موضع نفی مبارزه طبقاتی حرکت می کرد و این کار دست جناح راست گرای درون دولت را که از حمایت فئودالها و سرمایه داران بزرگ برخوردار بود و نیروی متشکلی را تشکیل می داد بازگذاشت وی از اجرای برنامه ارضی جبهه (زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند) چشم پوشید و بهشتترین سعی خود را روی اعمال کنترل بر منابع طبیعی و نفت و گاز صرف کرد. در دوره بن بلا، فرانسه بر طبق موافقتنامه "اوپان" متعهد شده بود که در ازای حفظ سرمایه‌ها و پایگاههای فرانسه در الجزایر، این کشور را در توسعه اقتصادی یاری داده و آن را در استخراج نفت و گاز شرکت دهد اما امپریالیستهای فرانسوی از

تجربه انقلاب الجزایر بیکار دیگر این اصل را به اثبات می رساند که انقلاب دمکراتیک هر چند ممکن است تحت رهبری خرده بورژوازی آغاز شده و گسترش یابد ، اما انجام کامل وظایف آن محتاج رهبری حزب انقلابی طبقه کارگر است .

اجرای تعهدات خود سر باز زدند و این عمل باعث شد که موج ملی کردن صنایع و سرمایه‌های خارجی آغاز شود (اغلب با پرداخت فرات) در همین حال مذاکره با شرکتهای نفتی فرانسوی و امریکایی برای امضای قرارداد استخراج نفت گاز با شرایط بهتر ادامه یافت.

امپریالیسم امریکا که سعی داشت در الجزایر نیز مانند هندوچین جای فرانسه را بگیرد، توسط سازمان سیا و با همکاری جناح راست دولت شروع به مداخله و خرابکاری در الجزایر نمود. پوشش این مداخله که بطور آشکار و پنهان انجام می گرفت " مبارزه با کمونیسم " بود ولی موج تزوری که در سالهای ۶۸-۱۹۶۷ در الجزایر به راه افتاد شیراز کمونیستها تمام حامیان راستین انقلاب الجزایر را در بر می گرفت. هدف این حرکت متوقف ساختن موج ملی کردنها در داخل و قطع مبارزه ضد امپریالیستی مردم الجزایر در مرصه جهانی و بالاخره متقاعد ساختن انحصارات امریکایی به وجود محیط مساعد برای سرمایه گذاری در الجزایر بود. البته ناپیگیری رهبران خرده بورژوازی جبهه که خود نیز گرایشهای ضد کمونیستی داشتند و ناشی از ماهیت طبقاتی آنها بود، دست سازشکاران و عمال امپریالیسم و سیا را در این خرابکاریها و تهورها باز می گذاشت و بیکار دیگر به وضوح نشان می داد که ضد کمونیسم ابزار و سلاحی است که در خدمت منافع امپریالیسم عمل می کند.

مبارزه برای ملی کردن منابع طبیعی، با ملی کردن ۵۰٪ سهام شرکتهای نفتی و تقریبا تمام صنایع گاز طبیعی و عملیات استخراج و حمل و نقل آن پایان یافت اما دولت الجزایر به خاطر نداشتن برنامه مدون و عطی دورنمایی برای توسعه صنعتی به نحوی که دوباره به امپریالیسم وابسته نشود، نداشت و به علت ماهیت طبقاتی خود نمی توانست داشته باشد و بدین خاطر سرمایه گذاری شرکت‌های امپریالیستی را به میزان کمتر از ۵۰٪ پذیرفت روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی نیز که می توانست در مبارزه با وابستگیهای اقتصادی نقش چشمگیری ایفا نماید، بخاطر خرابکاری مناصراست از حد محدودی فراتر نرفت. در اینجا برای اجتناب از برداشتهای نادرست باید گفت که اولاً روابط اقتصادی الجزایر با اردوگاه سوسیالیستی بنا به ماهیت ناپیگیرانه و برخی سیاستهای ضد کمونیستی حکومت الجزایر نمی توانست از حدهایی بالاتر برود و ثانیاً آنچه مهم تر است، اینکه اصولاً برای کشورهایی که به استقلال سیاسی نائل آمده‌اند روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی هر چند برای نیل به استقلال اقتصادی لازم است ولی

فی‌الغالبه کافی نیست و وابستگی اقتصادی را از بین نمی برد. شرط تعیین کننده برای بنای اقتصاد کاملاً مستقل از امپریالیسم و مستگیری سوسیالیستی رهبری حزب انقلابی طبقه کارگر می باشد.

برای اینکه از مملکت سرمایه‌گذاریهای خارجی در جهت وابسته کردن الجزایر تصویر روشنی به دست آوریم یک نمونه می آوریم:

مجتمع ماشین سازی در "رونی" در نزدیکی الجزیره که توسط شرکت دولتی سوناکوم اداره می شود، بر اساس قراردادی (۱۹۷۰) با شرکت پولیه از گروه رنو فرانسه به وجود آمد و از سال ۱۹۷۲ شروع به کار کرد. این شرکت قرار بود سالانه ۲۵۵۰ دستگاه وسیله نقلیه (گامیون اتوبوس و...) تولید کند و طبق برنامه میبایست ۸۰٪ اجزاء این تولیدات از طرف خود این کارخانه و سایر کارخانجات صنعتی الجزایر تأمین شده و ۲۰٪ بقیه از شرکتهای فرانسوی خریداری شود. طبق قرارداد، شرکت فرانسوی میبایست تا سال ۱۹۷۶ متخصصین الجزایری برای اداره کارخانه تربیت کند و اداره کارخانه را به دست خود الجزایریها بسپارد اما شرکت فرانسوی تا سال گذشته از این کار بطور کلی ظفره رفته و تنها در سال گذشته بخشی برای تربیت متخصصین تأمین کرده است. تربیت همین کار نیز موفقیت چندانی نداشته است. در ضمن افزایش تولیدات از ۲۵۵۰ دستگاه در سال ۱۹۷۷ به ۶۰۰۰ دستگاه در سال ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ تنها از طریق افزایش واردات اجزاء ساخت فرانسه تأمین شده است.

امپریالیسم به غیر از سرمایه‌گذاری مستقیم برای نفوذ در الجزایر از مجرای دیگری نیز استفاده می کند که عبارت است از دادن وام‌های کلان که اغلب با تعهداتی برای خرید کالا از کشور وام دهنده همراه است. باید توجه داشت که از آنجا که پس از رهایی از استعمار تغییرات بنیادی در سیستم اداری الجزایر انجام نگرفته است، زمین داران بزرگ و بورژوا بوروکراتها می توانند هم از طریق همکاری و شراکت با سرمایه‌های خارجی صنایع خود را تأمین کنند و هم سهم عمده از درآمد ملی را به خود اختصاص دهند.

انقلاب الجزایر برای چندمین بار اصلی را که بنیانگذاران سوسیالیسم علمی ثابت کردند و تمام انقلابات سوسیالیستی در عمل بر آن صحنه گذاشتند تأیید می کند که: اصول عام مارکسیسم - لنینیسم جهان شمول‌اند و تنها و تنها سوسیالیسم علمی و نه سوسیالیسم‌های تخیلی می تواند جامعه را بطور قاطع از بلایای نظام طبقاتی برهاند .

در حوزه کشاورزی نیز مسئله دهقانان که حل آن یکی از وظایف اساسی مرحله دمکراتیک انقلاب الجزایر به شمار می رفت تا سال ۱۹۷۱ به غیر از ملی کردن زمینهای متروک فرانسویان فراری اقدامی به عمل نیامده بود. همچنین تولید کشاورزی تا سال ۱۹۷۱ هنوز به میزان قبل از استقلال نرسیده بود. علت این امر را از طرفی در پائین بودن بازده کم تولید کوچک و از طرف دیگر در کمبود مدیران و متخصصین کشاورزی برای اداره مزارع دولتی باید دانست.

دولت الجزایر در سال ۱۹۷۱ برای قطع مهاجرت دهقانان به شهرها و افزایش بازده کشاورزی و بهبود زندگی دهقانان و در نتیجه گسترش پایه اجتماعی حکومت، منشور " انقلاب ارضی " را صادر کرد. رفوم ارضی میبایست در سه مرحله انجام گیرد: مرحله اول تقسیم دوباره مزارع دولتی بین دهقانان را در بر می گرفت. در مرحله دوم میبایست املاک کلیه زمین دارانی که بیش از ۵۰ هکتار زمین در اختیار داشتند ملی گردیده و بالاخره در مرحله سوم به محدود کردن دام‌های دامداران و تقسیم چراگاهها می پرداخت.

پس از پایان مرحله اول و انجام بخشی از مرحله دوم میزان زمین ملی شده در حال حاضر به ۳/۴ میلیون هکتار از ۷/۲ میلیون هکتار زمین قابل کشت می رسد. مرحله سوم بقیه در صفحه ۱۳

با افشای جنگ افروزان

از صلح عادلانه در کردستان دفاع کنیم

قسمتهائی از اعلامیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۵۹ اعلامیه‌ای درباره اوضاع کردستان و مواضع سازمان منتشر ساخته است. در این اعلامیه افشای عوامل جنگ افروز و ضرورت صلح عادلانه در کردستان تاکید شده است بخشی از این اعلامیه چنین است:

مردم مبارز ایران!
خلق قهرمان کرد!

یکماه از آغاز جنگ تحمیلی جدید در کردستان می‌گذرد، یک ماه کشتار مردم بی دفاع، یک ماه بمباران و گلوله باران شهرها و روستاها و یک ماه مقاومت پرشکوه خلق در طول این مدت کردستان صحنه فجیع ترین کشتارها بود که در تاریخ میهنمان بیسابقه بوده است. هزاران نفر در اثر بمباران و خمپاره باران شهرها کشته و زخمی شده‌اند. اکنون شهرهای سنندج، سقز و بانه به ویرانه تبدیل شده و مردم از این شهرها کوچ کرده‌اند. محاصره اقتصادی کردستان همچنان ادامه دارد.

نیروهای انقلابی و مسئول در کردستان تمام تلاشهای خود را برای جلوگیری از وقوع و گسترش جنگ به کار

برده‌اند و بارها و بارها مواضع صلح طلبانه خود را اعلام داشته و در عمل نیز نشان داده‌اند که خواهان جنگ نیستند اما نظری بر موضع گیری های هیئت حاکمه و نظری بر کارنامه چند ماهه هیئت ویژه دولت سیاستهای تفرقه افکنانه از طرفی و سیاستهای جنگ افروزانه و نقل و انتقالات تحریک آمیز نظامی و تقویت واحدهای ارتش از طرف دیگر همه نشان می‌دهد که آنها کمترین اهمیتی به خواستهای برحق مردم کردستان که سالها به خاطر آن مبارزه کرده‌اند، نمی‌دهند. هیئت ویژه دولت پس از رفت و آمدهای بیپوده که هدفی جز دفع الوقت و ایجاد تفرقه در میان نیروهای سیاسی نداشت، ثابت کرد که نه می‌خواهد و نه آن اختیارات را دارد که بطور جدی خواستهای مردم کردستان را با هیئت نمایندگی خلق کرد مورد مذاکره قرار دهد. همه این کارشکنی‌ها زمانی صورت می‌گرفت که خلق کرد و هیئت نمایندگی‌اش با جدیت و احساس مسئولیت تمام آمادگی بی قید و شرط خود را برای انجام مذاکرات اعلام داشته و طرح خودمختاری خود را که مبنائی برای

مذاکرات صلح بود، به هیئت ویژه ارائه و در معرض قضاوت هم میهنان گذاشت اما هیئت ویژه دولت نه تنها مذاکرات را جدی نگرفت بلکه دست از تفرقه اندازی هم برنداشت. از آغاز جنگ تحمیلی جدید تاکنون نیروهای ارتش و پاسدار با وحشیگری بیسابقه‌ای به سرکوب مردم بی دفاع پرداخته و تلاش نیروهای هیئت نمایندگی خلق کرد برای برقراری آتش بس و جلوگیری از گشتار مردم به نتیجه نرسیده است تاکنون نیروهای سیاسی جنبش مقاومت چندبار اعلام آتش بس کرده‌اند.

براستی باید پرسید که هدف آنها از لشکرکشی و سرکوب مردم کردستان چیست؟ چرا آنها از شکست جنگ گذشته درس نگرفتند؟ مقایسه وضع فعلی با اوضاع قبل از جنگ مردادماه سال گذشته نشان می‌دهد که خلق کرد هم در صحنه مبارزه سیاسی و اثبات حقانیت خواستهای خود برای مردم ایران و هم در صحنه سازماندهی مقاومت به پیروزی‌های چشم گیری نایل آمده است. در عین حال سرکوبگران به میزان زیادی پشتیبانی توده‌های مردم

ایران را برای تهاجم به کردستان از دست داده‌اند ماهیت جنگ تحمیلی و حقانیت خواستهای خلق کرد برای بسیاری از مردم میهنمان روشن شده است. سربازان، درجه داران و افسران جزء ارتش به ماهیت جنگ افروزان پی برده و حاضر نیستند بار دیگر رو در روی مردم قرار گیرند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران همواره از برقراری صلح عادلانه در کردستان پشتیبانی کرده است و در آینده نیز از هیچ کوششی برای رسیدن به صلح و قطع جنگ و رسیدن به خواستهای برحق، خلق کرد دریغ

نخواهد کرد. ما استقرار صلح عادلانه در کردستان را به نفع مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران می‌دانیم و اطمینان داریم که توطئه‌ها و اقدامات تهاجمی سرکوبگران اینبار نیز با مقاومت شدید و همه جانبه خلق قهرمان کرد روبه رو خواهد شد و خلق ما صلح عادلانه در کردستان را تحقق خواهد بخشید. تاریخ نشان داده است که هیچگاه نمی‌توان خلق مصمم و یکپارچه‌ای را که برای دستیابی به حقوق خود بیباکانه است به زانو درآورد.

برقرار باد صلح عادلانه در کردستان
نابودباد توطئه جنگ افروزان در کردستان
مرگ بر امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم امریکایی
سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران - شاخه کردستان
۵۹/۲/۳۰

بازداشت فرمانداران

و شهرداران کردستان را محکوم می‌کنیم

به قرار اطلاع ۹ تن از فرمانداران، شهرداران و بخشداران کردستان که برای تلاش در راه استقرار صلح و پایان یافتن محاصره اقتصادی شهرهای کردستان به تهران آمده و قصد مذاکره با مقامات رسمی دولت را داشتند، توسط "نیروهای انتظامی" بازداشت و به زندان اوین تحویل داده شده‌اند.

این اقدام بخوبی بیانگر آن است که چگونه عوامل جنگ افروز از هرگونه کوششی که در راه صلح در کردستان صورت می‌گیرد، هراس دارند و تا چه حد برای ادامه و گسترش جنگ در کردستان اصرار می‌ورزند. ما ضمن محکوم ساختن این اقدام، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان هستیم

پاسداران گرگان:

فتودالها و وابستگان رژیم منفور پهلوی در پی ایجاد توطئه، تخریب و کشتار برآمده‌اند

با توجه به شرایط حساس کنونی در ترکمن صحرا و آغاز فصل برداشت محصول، فتودالها و زمین داران بزرگ تلاش می‌کنند تا با ایجاد تشنج و درگیری و نیز جنگ افروزی، مسیر اصلی مبارزات خلق ترکمن را به انحراف کشند. در رابطه بانقشه‌های عوامل جنگ افروز، روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرگان اعلامیه‌ای صادر کرده‌است که بر این حقیقت تکیه دارد. ما عین

اطلاعه را به جهت اهمیت آن درج می‌کنیم:
به دنبال اطلاعیه قبلی مبنی بر مبارزه علیه توطئه و تخریب مزارع توسط فتودالهای وابسته به رژیم منفور پهلوی در منطقه، این عناصر از دست دادن منافع خود برای ضربه زدن بیشتر به انقلاب شیوه جدیدی را جهت برهم زدن آرامش و ایجاد توطئه و تخریب زمین و کشتار افراد بیگناه اتخاذ نموده‌اند و آن اینکه با مطرح

نمودن مسائل انحرافی از قبیل دهقانان محلی، کارگران سیستانی و کشاورزان ترکمن و ایجاد تفرقه و درگیری در بین مردم زحمتکش سعی در ایجاد آشوب و بهم زدن آرامش منطقه در موقعیتی را دارند که نزدیک برداشت محصول می‌باشد و چهره کره خود را در پشت این درگیری‌ها پنهان کرده و حتی با ماسک انقلابی خود را دلسوز انقلاب و حامی دولت جمهوری اسلامی

جا می‌زنند تا دسیسه‌های آنها بر مردم آشکار نگردد. لذا ما به تمامی کشاورزان و دهقانان و کارگران که عصری را تحت استثمار این عناصر بوده‌اند، هشدار می‌دهیم که در این موقعیت حساس از انقلاب و شرایط حساس منطقه هوشیاری خود را حفظ نموده و از هرگونه درگیری که توسط این عناصر ترتیب داده می‌شود و در نهایت به نفع ضدانقلاب است اجتناب نمایند و

آگاهانه یا ناآگاهانه آلت دست این افراد قرار نگیرند و به محض مشاهده هرگونه توطئه نیروهای انتظامی مسئول را در جریان قرار دهند تا توطئه آنها را خنثی و دست اشرار از منطقه کوتاه گردد.

روابط عمومی سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی گرگان

همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است



اخبار کردستان

اعتیاد . . .

بقیه از صفحه ۱۱

می توان انجام داد:

- ۱- تعقیب و کشف شبکه های تولید و قاچاق مواد مخدر، محاکمه سران جنایتکار این شبکه ها که معمولاً از سرمایه داران، مالکان و ارتشی های مزدور تشکیل یافته اند در پیشگاه خلق.
- ۲- ایجاد کار و جذب نیروها به مراکز صنعتی و کشاورزی
- ۳- از بین بردن قطعی مراکز فساد، جذب نیروهای که در این مراکز هستند به کار تولیدی.

اعتیاد نیز به دلیل نبودن مسئولین متعهد در درمانگاهها و عدم رسیدگی مسئولانه و انقلابی به وضع معتادین، عملاً عقیم مانده است. گماردن افراد غیر مسئول حتی در پست زندانیانی و عدم بازآموزی معتادین و قاچاقچیان که به زندان می افتند نیز به چشم می خورد. یک راننده که به جرم تصادف به زندان افتاده بود، بعد از آزادی برای ما نوشته است: "عدهای از زندانیان اعم از افسر،

ناپیگیری و عدم توانائی دولت در مبارزه اصولی با تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر نه تنها دامنه اعتیاد را محدود نکرده بلکه ما شاهد گسترش روز افزون ابعاد آن بین نیروهای جوان جامعه مان هستیم

- ۴- ایجاد مراکز بازآموزی و اشاعه فرهنگ سالم از طریق رادیو-تلویزیون و مطبوعات توضیح علل و ریشه های این بیماری اجتماعی
- ۵- ایجاد مراکز تفریحات سالم، پرورش هنر و ادبیات انقلابی

پاسبان و پاسدار آخر شبها نزد زندانیان می آمدند و با گرفتن پول از آنها، هروئین یا مواد مخدر دیگری را در اختیار زندانیان معتاد می گذاشتند.

به این ترتیب می بینیم که ناپیگیری و عدم توانائی دولت در مبارزه اصولی با تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر نه تنها دامنه اعتیاد را محدود نکرده بلکه ما شاهد گسترش روز افزون ابعاد آن بین نیروهای جوان جامعه مان هستیم. موج اعدام هایی که اخیراً به دستور خلخال حاکم شرع صورت می گیرد، نیز راه حل اساسی و اصولی برای از بین بردن عاملین قاچاق و اعتیاد نیست. ما معتقدیم در عین حال که سران جنایتکار شبکه های تولید و توزیع مواد مخدر باید شناسائی دستگیر و به اشد مجازات محکوم شوند، اما اعدام واسطه های خرده پا که در حقیقت آلت دست مطامع گردانندگان اصلی این شبکه ها هستند، مشکلی را حل نخواهد کرد. ما معتقدیم در شرایط کنونی اقدامات زیر را برای محدود کردن دامنه اعتیاد

- ۶- ایجاد مراکز درمانی رایگان برای ترک اعتیاد تحت مراقبت مسئولین و پزشکان متعهد
- ۷- ایجاد تأمین برای آینده معتادینی که معالجه می شوند جهت بازگشت آنها به کار در موسسات تولیدی و اداری
- ۸- محدود کردن کشت خشخاش فقط برای مصارف دارویی و دادن زمین به کشاورزانی که به کشت خشخاش مشغولند و یا فراهم کردن کار برای آنها
- نابودی کامل اعتیاد و هر بیماری اجتماعی دیگر تنها با نابودی کامل نظام سرمایه داری و برقراری جامعه نوین - سوسیالیسم - تحقق پیدا خواهد کرد. مبارزات گسترده و رو به اوج توده ها علیه امریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران از هم اکنون چنین آینده روشنی را نوید می دهد

واهی شرکت در عملیات مسلحانه تیرباران می شود. مفازه های سنندج همچنان به عنوان اعتراض بسته است و سرهنگ صدری مفازه داران را تهدید به صادره اموالشان کرده است. در چند روز اخیر حملات وسیعی به روستاهای اطراف سنندج شروع شده و در اثر این حملات به روستای حسن آباد، عدهای از روستائیان زحمتکش شهید و خانه هایشان به آتش کشیده شده است. احشام متعلق به روستائیان نیز طعمه آتش خمپاره شده اند. گروهی از اهالی این روستا قبلاً به فرودگاه رفته و از مقامات مسئول خواسته بودند که از گلوله باران روستائیان خودداری نمایند ولی مزدوران ارتش چندتن از آنها را دستگیر و زندانی کرده اند.

گرمانشاه

پرسنل انقلابی هوانیروز کرمانشاه با انتشار اعلامیه ای در تاریخ ۵۹/۲/۲۵ اعلام موجودیت کرده و در اعلامیه خود ضمن دعوت از مردم به همکاری با پرسنل انقلابی تعهد کرده اند که مردم را در جریان آنچه در درون ارتش می گذرد، خواهند گذاشت

بانه

بعد از درگیری پیشمرگان و کلاه سبزهائی که قصد داشتند در اطراف کوه آریابا فرود آیند، ۵ تن کشته و عدهای از این مزدوران به دست پیشمرگان قهرمان اسیر شدند. هلی کوپترها مرتباً در اطراف بانه پرواز می کنند و شهر و کوه های اطراف را بمباران می کنند. به دنبال فرود تیم اول، یک گروه دیگر چتر باز در این منطقه فرود آمد که عدهای توسط پیشمرگان دستگیر شدند.

سه شنبه ۳۰ اردیبهشت سردشت

عصر امروز ۴ فروند هلی - کوپتر شهر را به راکت بستند در این حمله دوتن از پیشمرگان زخمی شدند. روز بعد پیشمرگان به پادگان حمله کرده و یکی از ساختمانهای پادگان را منهدم کردند.

شنبه ۳ خرداد

دیواندره

بدنبال درگیری های سختی که در ایران شاه رخ داد ۷۰ نفر از نظامیان کشته و زخمی می شوند و از پیشمرگه ها نیز ۲ نفر زخمی و ۴ نفر به اسارت گرفته می شوند.

بانه

پادگان بانه همچنان در محاصره پیشمرگان است. نیروهای کمکی ای که از طرف ارتش به پادگان بانه اعزام شده بودند، تاکنون نتوانسته اند خود را به پادگان برسانند چون تمامی مواضع استراتژیک اطراف بانه در محاصره پیشمرگان است. نارضایتی مقامات حکومتی از نحوه عملکرد ارتش و پاسداران شدت گرفته است و نارضایتی متقابل ارتش از وضع موجود نیز باعث شده است که عدهای از درجه داران و افسران با کمال میل حکم اخراج و یا باز نشستگی خود را بپذیرند.

سنندج

بدنبال استقرار ارتش و پاسداران در شهر، نوجوان ۱۵ ساله ای به نام "شهر مدرس" دستگیر و به بانه

بدنبال سقوط پادگان "ربط" و پاسگاه "گولته" از چند روز پیش پرسنل مستقر در پادگان "ملا شیخ" اعتصاب غذا کرده و غذای پادگان را نمی گیرند. در روز ۵۹/۲/۲۷ بیست و هفت نفر دیگر از پرسنل این پادگان دستگیر و ۱۲ نفرشان در پادگان سردشت زندانی و ۱۵ نفر دیگر به کرمانشاه اعزام می گردند. موج نارضایتی در میان سربازان، درجه داران و افسران جزء ارتش هر روز بالا می گیرد و فرماندهان ارتش جهت سرکوب آنان به شیوه های مختلف بازداشت، اخراج و تبعید و اعدام متوسل می شوند. در پادگان سردشت اختلافات شدیدی بین ارتشی ها بروز کرده و عدهای از پرسنل به عدم تعویض خود اعتراض کرده اند.

چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت بانه

هلی کوپترها شهر را به راکت بستند. در این حملات ۷ نفر از پیشمرگان و مردم بی دفاع زخمی شدند و چند خانه به آتش کشیده شد. عصر همین روز پیشمرگان کرد پادگان را مورد حمله قرار دادند و دو سنگر داخل آن را منهدم نمودند.

پنجشنبه اول خرداد

دیواندره

امروز ارتش از طرف پادگان دهات و شهر را زیر آتش خمپاره گرفت. راهبهای منتهی به مریوان توسط پیشمرگان مسدود شده است.

سر کوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

گرامی باد خاطره مجاهدین شهید

روز یکشنبه ۴ خرداد هشتمین سالگرد اعدام دوسین گروه از رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران و برجسته‌ترین بنیانگذاران این سازمان است. در این روز در سال ۱۳۵۱ رزمندگان انقلابی، محمد حنیف‌نژاد سعید محسن، علی‌اصغر بدیع‌زادگان، محمود مسکری‌زاده و عبدالرسول مشکین‌نم به دست جلادان رژیم مشهور شاه به جوخه اعدام سپرده شدند (در حدود یک ماه پیش از آن نیز در تاریخ ۳۰ فروردین ۵۱ نخستین گروه از رهبران مجاهدین خلق یعنی علی مهدی‌دوست، ناصر صادق، علی باکری و محمد بازرگانی تیرباران شده بودند.)

اعدام این انقلابیون برجسته سالهای سیاه‌دیکتاتوری و خفقان هرچند ضربات بزرگ برای سازمان مجاهدین خلق ایران محسوب میشد، اما نتوانست در آهنگ رشد این سازمان در سالهای بعد وقفای ایجاد کند و راه آنان دنبال شد.

ما یاد این انقلابیون فداکار را که در راه رهایی خلق خویش از جان خود گذشتند و به مبارزه رو در رو با رژیم ضد خلقی وابسته به امپریالیسم آمریکا پرداختند، گرامی می‌داریم.

پیام وحدت و همبستگی

با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت اول ماه مه

مقدم‌آن را تشکیل می‌دهند، از رفح بحران امپریالیسم ناتوان است و علیرغم شکنجه و تروری که از طرف نیروهای صهیونیستی در داخل و خارج سرزمین اشغالی اعمال می‌شود، نتواند توانست مبارزه آزادی‌بخش فلسطین را متوقف سازد. علیرغم تمام کوشش‌ها برای از بین بردن هویت ملی توده‌های ما و حقوق حقه ما برای آزادی سرزمین اجدادیمان، مبارزه مردم فلسطین ادامه خواهد یافت.

مبارزه مردم فلسطین بر مبارزه توده‌های عرب برای آزادی و ترقی تکیه دارد و مورد حمایت نیروهای انقلابی بین‌المللی و کشورهای سوسیالیستی و پیمانشک آنها اتحاد شوروی می‌باشد.

رفقا! نظر به مبارزه جدی عوامل امپریالیسم در جهان عرب از طرفی به شکل تهدید نظامی مستقیم و از طرف دیگر به شکل هدايت و تقویت نهضت‌های جدایی طلبانه علیه پیروزی مردم ایران، ما از آیت‌الله خمینی و تمام نیروهای مترقی ایران می‌خواهیم تا با همدیگر برای پیشبرد انقلاب در همان جهتی که آغاز شد، یعنی علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع و عوامل داخلی آنها همکاری نمایند.

خوشحالم که به این مناسبت تهریکات صمیمانه، احترام و حمایت کمیته مرکزی، اعضا و مبارزات" جبهه خلق برای آزادی فلسطین" را به شما و توده‌های مردم ایران عرض دارم.

رفقا! اهمیت انقلاب ایران بسیار بیشتر از عمل قهرمانانه سرنگونی رژیم ارتجاعی شاه است؛ انقلاب توده‌های ایران نشان داد که امپریالیسم هراندازه‌م که به ستم و خفقان متوسل شود، نه تنها در ایران بلکه در فلسطین بین‌المللی نیز شکست پذیر است.

با بالادرفتن سطح آگاهی توده‌ها نفوذ امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان کاهش می‌یابد. رفقا! بی‌شک به وضوح به دشمن امپریالیستمان نشان دهیم که هرگاه توده‌ها برای مبارزه با دشمن مشتوق در تمام سطوح متحد باشند، هیچ نیرویی برای مقابله با آنها را ندارد.

چنین امروز در حالی برگزار می‌شود که منطقه عربی با خطرناک‌ترین توطئه ارتجاعی امپریالیستی - صهیونیستی مواجه است که هدف آن نابودی نهضت ملی عربی بطور عام و نهضت مقاومت فلسطین بطور خاص که بزرگترین خطر را برای منافع دشمن در منطقه تشکیل می‌دهد، می‌باشد.

این ائتلاف که رژیم صهیونیستی و رژیم مصر پایگاه

جبهه خلق برای آزادی فلسطین
۱۹۸۰ - مه

مردوران امپریالیسم آمریکا عامل انفجار درد فتره‌ها پیمایی ملی ایران (هما) هستند

به دنبال انفجارهای جنایتکارانه در اماکن پر جمعیت تهران و به دنبال تلاشهای مزدوران جنایتکار برای به آتش کشاندن خرمشاهی که محصول رنج شبانه‌روزی دهقانان زحمتکش میهن ما است. مزدوران امپریالیسم آمریکا که از جانب رژیم‌های ارتجاعی منطقه حمایت می‌شوند، در ادامه فعالیت‌های ضدانقلابی خود علیه مردم ایران، دفتر هواپیمایی ملی ایران (هما) را در کویت با انفجار بمب ویران ساختند.

ما ضمن محکوم کردن این اقدامات جنایتکارانه، اعلام می‌داریم که این جنایات که برای تضعیف روحیه کارکنان مبارز هواپیمایی ملی ایران (هما) به عمل آمده است نه تنها هیچ‌گونه تاثیری بر آزاده آنها نخواهد داشت بلکه پیوند آنان را با مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای میهن بیش از پیش استوار خواهد ساخت.

تصحیح یک خبر (اخبار کردستان)

در "کار" شماره ۵۹ در صفحه اخبار کردستان خبر مربوط به سردشت ۵۹/۲/۲۳ صفحه ۹ نوشت بودیم "در این میان یکی از جاشهای معروف به اسم ملاحسن پیرو سلی نیز زخمی شده است."

با بوزش از خوانندگان به اطلاع می‌رسانیم که شخصی مزبور جاش نبوده و یکی از اعضا مبارز و فعال حزب دمکرات کردستان است.

پیام جنبش چپ انقلابی (میر-شیلی) به مناسبت اول ماه مه

مردود بر رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و مردم ایران به مناسبت روز جهانی کارگر.

امسال جشن اول ماه مه را در شرایطی برگزار می‌کنیم که مردم ایران به مرحله عالیتری در مبارزه‌شان علیه امپریالیسم آمریکا و بخاطر یک تغییر بنیادی در جامعه پای گذارده‌اند.

فعالیت‌های امپریالیستی کوشش بیهوده‌های است برای تحمیل رژیم قدیم و یا لاقابل بخشی از متحدین پنهان آن و از این طریق تامین سلطه سیاسی و نظامی امپریالیسم در منطقه که برای منافع درازمدت آن بسیار حیاتی است. اما آنها تنها برای منافع جغرافیائی‌شان نمی‌جنگند بلکه همچنین می‌خواهند مبارزه انقلابی توده‌های مردم ایران را برای نابودی نظام سرمایه‌داری وابسته و برقراری حکومت دمکراتیک توده‌ها و بازسازی اقتصاد بر پایه منافع مردم و بدور از هرگونه وابستگی خفه کنند.

امپریالیسم آمریکا و متحدینش علیرغم عقب‌نشینی عمیقی که در اثر پیروزی انقلاب ایران و پیروزی ساندنیست‌ها در نیکاراگوئه در سال ۱۹۷۹ متحمل شدند سعی دارند سلطه خود را در مناطق دیگر حفظ کنند. در السالوادور، آمریکا بیهوده سعی دارد یک حکومت نظامی به اصطلاح رفرومیستی را که جایگزین رژیم فاسد دیکتاتوری رومرو شده است با برجا نگهدارد. اما توده‌های السالوادور سازمان‌های انقلابی و عناصر واقعا دمکرات این کشور، مبارزه خود را برای استقرار یک حکومت خلقی، دمکراتیک و انقلابی ادامه می‌دهند. در بخش جنوبی آمریکای لاتین

در این موقع حمایت متقابل و همبستگی بین توده‌هایی که علیه امپریالیسم، صهیونیسم، ارتجاع و نژادپرستی مبارزه می‌کنند، باید بیشتر از هر وقت دیگری در تمام فعالیت‌های ما بیان شود.

پیروزی مبارزات انقلابی مردم ایران و پیمانشک سیاسی آنها پیروزی مبارزه مردم السالوادور و مقاومت خلقی پیروز خواهد شد.

نهضت چپ انقلابی (میر-شیلی)
لندن - مه ۱۹۸۰

دوستان و جاسوسان آن به راه انداخته‌اند، عرصه تازمانی از بیگانه‌های لهرمان ایران با امپریالیسم آمریکا است. وظیفه همه نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست است که با هوشیاری تمام با تبلیغات ضد مردمی عوامل امپریالیسم بطور بیگانه مبارزه کنند. اهداف این تبلیغات را برای مردم توضیح دهند و ماهیت آن را به مردم بشناسانند و بخصوص اجازه ندهند که امپریالیستها و دوستان و جاسوسان آن خود را دوستان مردم معرفی کنند و به این ترتیب میز دوستان و دشمنان واقعی مردم را از بین ببرند.

را فریب می‌دهند و به بی‌تفاوتی می‌کشاند آنها الگوی حکومتی سابق را تبلیغ می‌کنند و با صرف هزینه‌های کلان به سازماندهی مطبوعات خود پرداخته‌اند. در مطبوعات آنان، به نحو زیرکانه‌ای حکومت شاه تظاهر می‌شود و همه ناپسمانی‌ها به مردمی که انقلاب گردانند نسبت داده می‌شود. آنها می‌کوشند با بی‌ارزش جلوه دادن مبارزات مردم، شوق رهایی از سلطه امپریالیسم و ساختن ایرانی آزاد و دمکراتیک را به ناپایداری و بی‌ثباتی تبدیل کنند.

تبلیغات و جنگ روانی که امپریالیسم و

جنگ روانی امپریالیستها را با شکست روبرو سازیم

آنان چیره گردند. آنها نمی‌بینند که انقلاب در حال گسترش است و توده‌های میلیونی می‌روند که اساس نظام بیهوشی را زیر هلاکت سوال قرار دهند.

ملکروهای انحصارطلبانه و فیسر دمکراتیک، ضحفا و کپیوها، درماندگی بر حل مشکلات اقتصادی و سیاسی که نتیجه سازشکاری و ناپیگیری حکومت است زمیندهای مساعدی را برای تأثیرگذاری تبلیغات امپریالیستی فراهم کرده است دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا به طبایع وسیع دروغ، شایعه، جهت و افترا بخش می‌کنند افسوس‌آوری از مردم

رادپو بی. بی. سی. صدای آمریکا، رادپو بغداد و رادپوهای متعددی که تر اختیار بختیار و سلطنت‌طلبان در خارج از کشور قرار گرفته است، تمام تبلیغات خود را در این جهت سوق داده‌اند که مردم را به بی‌تفاوتی بکشاند تا در مقابل وقایع سیاسی که به سرروشت آنان مربوط است، واکنشی از خود نشان ندهند. امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ارتجاعی منطقه تمام امکانات خود را در جهت زمینسازی برای انجام یک کودتا در ایران بکار می‌برند. غافل از آنکه مردم ما به آن اندازه بیدار و هوشیار هستند که نگذارند دشمنان بر

را فریب می‌دهند و به بی‌تفاوتی می‌کشاند آنها الگوی حکومتی سابق را تبلیغ می‌کنند و با صرف هزینه‌های کلان به سازماندهی مطبوعات خود پرداخته‌اند. در مطبوعات آنان، به نحو زیرکانه‌ای حکومت شاه تظاهر می‌شود و همه ناپسمانی‌ها به مردمی که انقلاب گردانند نسبت داده می‌شود. آنها می‌کوشند با بی‌ارزش جلوه دادن مبارزات مردم، شوق رهایی از سلطه امپریالیسم و ساختن ایرانی آزاد و دمکراتیک را به ناپایداری و بی‌ثباتی تبدیل کنند.

تبلیغات و جنگ روانی که امپریالیسم و

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر